



یک کمیشنر کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌ها:

شکایت‌ها زیاد جدی نخواهد بود



صفحه ۳

کمیسیون انتخابات:
روند انتقال مواد انتخاباتی
تا چهارشنبه ادامه دارد



مسوولان در کمیسیون انتخابات می‌گویند که روند انتقال مواد انتخاباتی تا دو روز دیگر ادامه خواهد داشت و تا کنون روند انتقال مواد از کابل و برخی از ولایات تکمیل شده است.

به دنبال برگزاری انتخابات و شمارش آرا در مراکز رأی‌دهی، از شام روز شنبه به این‌سو، مرحله انتقال مواد انتخاباتی از این مراکز به دفاتر ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات آغاز شده است.

وزارت‌های دفاع و امور داخله کشور به گونه‌ی مشترک، روند انتقال مواد انتخاباتی به مراکز ولایات را بر عهده دارند و از ولسوالی‌های ناامن از طریق هوا انتقال داده خواهند شد.

عصمت‌الله مل معاون کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید، ممکن روند انتقال مواد انتخاباتی به مراکز ولایات، سه روز را در بر بگیرد.

به گفته او، مواد انتخاباتی ولایت کابل و چند ولایت دیگر تکمیل به مرکز کمیسیون رسیده و از برخی از ولایت‌ها از ۲۰ الی ۸۰ درصد رسیده است.

او گفت که اوراق نتایج «ریزلت شیت» هم که از طریق دستگاه‌های بیومتریک به سرور می‌رسید آن هم در حال پروسس است.

بر اساس برنامه کمیسیون انتخابات، باید انتخابات ریاست جمهوری در ۶ میزان در ۴۹۴۲ مرکز رأی‌دهی، برگزار می‌شد اما بر بنیاد آخرین آمار کمیسیون در ۴۹۰۵ مرکز رأی‌دهی این روند برگزار شد.

این در حالی است که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان اعلام کرده بود که از ۵۳۷۳ مرکز در ۴۵۰۰ مرکز انتخابات برگزار شده و از بقیه مراکز تا حال اطلاعی در دست ندارند. چهارمین انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان در ۳۴ ولایت شنبه ۶ میزان برگزار شد.

قرار است کمیسیون انتخابات شمار رأی‌دهنده‌گان را امروز در یک نشست خبری اعلام کند و بر اساس جدول زمانی انتخابات، قرار است نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری در ۲۷ میزان و نتایج نهایی در ۱۶ ماه عقرب اعلام شود.

انتخابات‌های بد در افغانستان؛ چرا؟

هر نوع تقلب، تخلف و بی‌قانونی در انتخابات به هدف حفظ قدرت، به یک حرکت مشروع در نزد رادیکالان سیاسی در افغانستان تبدیل شده است. همین مسأله سبب شده که انتخابات‌ها در افغانستان یکی پی دیگر به مراتب بدتر برگزار شوند و به همین سبب، انگیزه حضور در پای صندوق‌های رای در میان مردم کمتر شده رود. انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ و انتخابات پارلمانی سال گذشته، با چنان رسوایی‌هایی همراه بود که سبب شد مردم نتیجه‌گیری کنند که انتخابات با توجه به سطح بلند فساد و تقلبی که در آن رخ نه کرده، معنایی ندارد و رای آن‌ها قابل محاسبه نیست. ... صفحه ۲

اعلامیه مطبوعاتی شورای نامزدان ریاست جمهوری ۱۳۹۸



در مورد سلامت انتخابات طی ابلاغیه‌های متعدد، به‌ویژه محتوای اعلامیه اخیر مورخه ۲۳ سنبله ۱۳۹۸ مبنی بر تأخیر عملیه انتخابات برای سامان‌دهی بهتر که متأسفانه ناشنیده ماند، اکنون به استحضار همگان می‌رساند که داده‌های انتخاباتی ۶ میزان را تحت بررسی قرار می‌دهد و منتظر اعلام نهایی نتایج به واسطه کمیسیون مستقل انتخابات می‌باشد تا در روشنی آن موضع خویش را اعلام بدارد. برای شورای نامزدان، مفاهیم کلیدی انتخابات سالم، ثبات ملی، مشروعیت نظام و نهادینه سازی رویه‌های دموکراتیک واجد اهمیت اساسی است. با هر آنچه در مسیر مخالف آنها سیر نماید هماهنگی نمی‌نماییم.

کابل: ۷، میزان ۱۳۹۸

کشور به‌شمار می‌آورد، اما با تأسف که این روند ملی از همان آغاز با مشکلات و نواقص جدی روبه‌رو بوده و امروز موجب نگرانی‌های ملی کشور به‌شمار می‌آورد، اما بسم الله الرحمن الرحیم شورای نامزدان ریاست جمهوری، انتخابات را نقطه عطف‌های مردم‌سالاری و یگانه‌گزینه برون رفت از بحران‌های موجود در

انتخابات‌های بد در افغانستان؛ چرا؟

چهارمین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار شد، اما حضور مردم در پای صندوق‌های رای نسبت به انتخابات‌های قبلی به مراتب کم‌رنگ‌تر بوده است. چهار تجربه انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که انتخابات‌ها در جامعه ما، یکی بعد از دیگری بدتر برگزار شده است؛ در حالی که انتخابات‌ها در کشورهای دیگر، یکی پی دیگر بهتر برگزار شده و در نهایت به عنوان قاعده اصلی بازی سیاسی برای دست یافتن به قدرت و دولت، جا باز کرده است. اما در افغانستان این تجربه برعکس پیموده شده است؛ چرا؟ با توجه به درکی که از برخورد با انتخابات‌ها در افغانستان به دست آورده‌ایم، سناریو و سیاستی برای زدودن اعتبار انتخابات در افغانستان به شکل بسیار زیرکانه شکل گرفته است تا انتخابات به عنوان یک قاعده شناخته نشود؛ زیرا حلقات و گروه‌های رادیکال در افغانستان، از انتخابات نگران اند و در آن قدرت را از دست رفته می‌دانند. کسانی که به قدرت نگاه بسیار سخت‌گیرانه و ناموسی دارند و آن را مساوی با زنده‌گی فرض کرده‌اند، سعی می‌کنند که روش‌های گرداننده قدرت در افغانستان را خنثا سازند. آگاهی و انتخابات، دو ابزار برای تحول و جابه‌جایی در قدرت سیاسی شناخته می‌شوند. از این منظر، این دو پدیده همواره با خصومت‌های شدید در جامعه مواجه شده‌اند.

هر نوع تقلب، تخلف و بی‌قانونی در انتخابات به هدف حفظ قدرت، به یک حرکت مشروع در نزد رادیکالان سیاسی در افغانستان تبدیل شده است. همین مسأله سبب شده که انتخابات‌ها در افغانستان یکی پی دیگر به مراتب بدتر برگزار شوند و به همین سبب، انگیزه حضور در پای صندوق‌های رای در میان مردم کمتر شده رود. انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ و انتخابات پارلمانی سال گذشته، با چنان رسوایی‌هایی همراه بود که سبب شد مردم نتیجه‌گیری کنند که انتخابات با توجه به سطح بلند فساد و تقلبی که در آن رخ نه کرده، معنایی ندارد و رای آن‌ها قابل محاسبه نیست. این مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل عدم حضور مردم در پای صندوق‌های رای است که به دلیل سیاست ضد انتخاباتی حکومت در هجده سال گذشته، مردم به این قناعت رسیده‌اند که رای‌شان را مصرف نکنند. انتخابات گذشته ریاست جمهوری و شکل‌گیری دولت وحدت ملی با قرار گرفتن غنی در رأس آن درحالی که رای لازم را نیز نداشت، به مردم این‌گونه فهماند که انتخابات در افغانستان یعنی هیچ!

حکومت پنج سال گذشته که مرکب از هر دو نامزد مدعی بود، نتوانست اعتماد مردم را به انتخابات و دموکراسی برگرداند. انتخابات پارلمانی گذشته هم، اوج رسوایی‌های انتخاباتی را به نمایش گذاشت. به این ترتیب، سیاست ضد انتخاباتی آقایان کرزی و غنی در این هجده سال و سیاست دموکراسی ستیزانه مدعیان دموکراسی در افغانستان، انتخابات و دموکراسی را در میان مردم چنان صدمه زد که دیگر کمتر کسی انتخابات را به عنوان میکانیسمی موثر برای تحقق ایده «حکومت مردم برای مردم» می‌شناسد.

بنابراین حالا که مردم به این پیمانۀ اندک در انتخابات شرکت کرده‌اند، اگر نتایج آن نیز جعلی و ساخته‌گی باشد، احتمال وقوع بحران و منازعه حتمی است. اما حتی اگر بحران، مدیریت و منازعه نیز حل گردد، به قطع می‌توان حکم کرد که در انتخابات بعدی دوازده هزار نفر هم به پای صندوق‌های رای نروند و کودک بسمل دموکراسی در این کشور برای همیشه دفن شود و در نهایت، دوباره ابزارهای خشن و کشنده برای انتقال قدرت روی کار بیاید. و متأسفانه همین نتیجه بد، یکی از مهم‌ترین اهداف کسانی است که می‌خواهند انتخابات را در افغانستان ناکام سازند و سنت‌های قبیله‌یی را جانشین آن گردانند تا قدرت در دست آنان برای همیشه حفظ شود و افغانستان روی توسعه و رفاه و تحول را نبیند.



بوی بحران به مشام می‌رسد

● احمد عمران ●

به انتخابات‌های گذشته رضایت‌بخش‌تر بود و نشان داد که نیروهای امنیتی کشور توانایی‌های بیشتری به دست آورده‌اند، اما از نظر مشارکت در نازل‌ترین سطح خود در هجده سال گذشته قرار داشت. به باور بسیاری از نهادهای ناظر و بر اساس آمار ابتدایی‌بی که از سوی کمیسیون انتخابات نیز تأیید شده، در انتخابات سال روان ریاست جمهوری شمار رای‌دهنده‌گان به کمتر از دو و نیم میلیون نفر می‌رسد. در حالی که کمیسیون انتخابات پیش از آن، از نه میلیون رای‌دهنده سخن می‌گفت که واجد شرایط رای‌دهی اند.

انتخابات ششم میزان از نظر گسترده‌گی - یعنی این که در اکثر نقاط کشور برگزار شده - مشکل چندانی ندارد؛ ولی سطح مشارکت از همین حالا نتایج آن را در سایه ابهام قرار می‌دهد. یکی از اصل‌های اساسی برگزاری انتخابات موفق، میزان مشارکت رای‌دهنده‌گان است و اگر رای‌دهنده‌گان حاضر نشوند که از رای خود استفاده کنند، به معنای آن است که انتخابات با تحریم مواجه شده است. دلایل زیادی برای عدم مشارکت در انتخابات می‌تواند وجود داشته باشد؛ اما

۱. بی‌علاقگی مردم به نتایج انتخابات؛ ۲. تجربه‌های تلخ گذشته؛ ۳. تهدیدهای امنیتی؛ ۴. بی‌تأثیر بودن رای مردم در نتیجه انتخابات، از مهم‌ترین فکتورهای تأثیرگذار بر حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات ششم میزان می‌تواند تلقی شود. متأسفانه انتخابات ششم میزان نه تنها تجربه موفقی را در زمینه کاهش تقلب و مهندسی آرا به نمایش گذاشت، بل چهره دیگری از تقلب و جعل کاری را نشان داد. تیم «دولت‌ساز» به رهبری محمد اشرف غنی که هیچ آمیدی به گرفتن رای مردم نداشت، از یک‌سال به این سو زمینه‌های تقلب و مهندسی را فراهم کرده بود. این دسته انتخاباتی افزون بر استفاده‌های غیرقانونی از امکانات دولتی و پخش میلیون‌ها دلار برای خرید رای، انتخابات را از طرف یک تیم سایه که در رأس آن ضیا ام‌خیل قرار داشت، مدیریت کرد. آقای غنی در زمان انتخابات پارلمانی، شرایط را برای تقلب در انتخابات ششم میزان فراهم کرده بود. او در آن زمان، با استفاده از امکاناتی که در کمیسیون انتخابات داشت، چند میلیون استیکر را به نامزدان انتخابات پارلمانی به فروش رساند تا از آن‌ها در زمان مناسب، یعنی انتخابات ششم میزان استفاده کنند.

در همین حال، نباید از مشکلات فنی در روند برگزاری انتخابات نیز چشم‌پوشی کرد. مشکلاتی که در سیستم‌های بایومتریک و فهرست نام‌ها وجود داشت، عملاً زمینه را برای دسته‌های متقلب فراهم کرد که از چنین فضایی به نفع خود استفاده کنند. وقتی نام نامزد انتخابات در فهرست رای‌دهنده‌گان مرکزی که ثبت نام کرده وجود نداشته باشد، و یا یکی از نامزدان انتخابات بدون استیکر اجازه پیدا کند که در برابر چشم رسانه‌ها و ناظران رای دهد و به آن افتخار کند، معلوم است که وضعیت انتخابات در مناطق دوردست و تحت نفوذ عوامل تقلب چگونه بوده است.

با چنین تصویری که از انتخابات ششم میزان وجود دارد، باید گفت که روزهای دشواری در انتظار مردم افغانستان است؛ روزهای پُرالتهاب و نگران‌کننده که ممکن است به بحرانی مه‌ناپذیر مبدل شود.

انتخابات ششم میزان، از منظر جامعه‌شناسی مسایل زیادی را به اثبات رساند. در کنار این که این انتخابات در برهه حساسی از تاریخ کشور اتفاق افتاد، نوع برخورد و نگاه مردم و کنش‌گران انتخابات با آن قابل بررسی و تأمل است. تا دو هفته مانده به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، گمان نمی‌رفت که چنین انتخاباتی در کشور به واقعیت پیوندد. بحث صلح امریکا با طالبان، احتمال به تعویق افتادن انتخابات را بالا برده بود. امریکا تلاش داشت که با امضای توافق‌نامه صلح با طالبان، زمینه مشارکت سیاسی این گروه را در قدرت فراهم کند و خود به شکل آبرومندانه و بدون آن‌که به سرنوشت اتحاد شوروی پیشین مبتلا شود، از مخمصه جنگ افغانستان بیرون شود. اما گفت‌وگوهای صلح امریکا با طالبان ظاهراً با کشته شدن یک نظامی ارشد این کشور در حمله انتحاری طالبان، توسط دونالد ترامپ رییس جمهوری امریکا لغو و متوقف شد.

هنوز واقعا مشخص نیست که دلیل اصلی توقف گفت‌وگوهای صلح، کشته شدن یک نظامی ارشد امریکا بوده و یا کشته شدن این فرد بهانه آن را فراهم کرده تا گفت‌وگوهای صلح متوقف گردد. اما هرچه باشد، توقف گفت‌وگوهای صلح، موضوع برگزاری انتخابات را از شک و گمان بیرون کرد و آن را در اولویت برنامه جامعه جهانی و حکومت قرار داد. به محض توقف گفت‌وگوهای صلح، امریکا ۲۹ میلیون دلار را برای برگزاری انتخابات افغانستان کمک کرد. این کمک پیش از توقف گفت‌وگوهای صلح به هیچ صورت محتمل به نظر نمی‌رسید؛ زیرا امریکا چندان موافق برگزاری انتخابات پیش از رسیدن به صلح با طالبان نبود. حالا اما ورق‌ها برگشته و گفت‌وگوهای صلح ظاهراً از آجندای تمام طرف‌های ذریع بیرون کشیده شده است. حکومت افغانستان نیز اعلام کرد که موضوع صلح پس از برگزاری انتخابات توسط حکومت بعدی دنبال خواهد شد.

با توجه به چنین فضایی، از آغاز مشخص بود که انتخابات آن‌گونه که انتظار برده می‌شود، برگزار نخواهد شد. در طول مدت ۶۰ روزه که برای کمپاین‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده بود، جنب‌وجوش قابل ملاحظه‌یی از سوی بسیاری از نامزدان انتخابات صورت نگرفت. برخی از نامزدان حتی از محدوده کابل بیرون نشدند و تا آخرین لحظه، به برگزاری انتخابات امید چندانی نداشتند. تیم‌هایی هم که موفق شدند برای پیکارهای انتخاباتی به برخی نقاط کشور سفر کنند، به جز دو دسته انتخاباتی حکومتی که از امکانات دولتی بهره می‌گرفتند، با موانع و چالش‌های فراوانی روبه‌رو بودند. حکومت حتی از رفتن برخی نامزدان به ولایت‌های کشور به بهانه‌های گوناگون جلوگیری کرد. شورای نامزدان انتخابات ریاست جمهوری به دلیل احتمال سوءاستفاده دو دسته مشخص از امکانات دولتی به نفع خود در روز انتخابات و پس از آن در روزهای شمارش آرا، موضوع تحریم آن را در دستور کار داشتند. اما با وصف چنین وضعیت نابسامانی، در ششم میزان انتخابات سال روان هرچند از نظر تأمین امنیت نسبت

از آغاز مشخص بود که انتخابات آن‌گونه که انتظار برده می‌شود، برگزار نخواهد شد. در طول مدت ۶۰ روزه که برای کمپاین‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده بود، جنب‌وجوش قابل ملاحظه‌یی از سوی بسیاری از نامزدان انتخابات صورت نگرفت. برخی از نامزدان حتی از محدوده کابل بیرون نشدند و تا آخرین لحظه، به برگزاری انتخابات امید چندانی نداشتند. تیم‌هایی هم که موفق شدند برای پیکارهای انتخاباتی به برخی نقاط کشور سفر کنند، به جز دو دسته انتخاباتی حکومتی که از امکانات دولتی بهره می‌گرفتند، با موانع و چالش‌های فراوانی روبه‌رو بودند. حکومت حتی از رفتن برخی نامزدان به ولایت‌های کشور به بهانه‌های گوناگون جلوگیری کرد. شورای نامزدان انتخابات ریاست جمهوری به دلیل احتمال سوءاستفاده دو دسته مشخص از امکانات دولتی به نفع خود در روز انتخابات و پس از آن در روزهای شمارش آرا، موضوع تحریم آن را در دستور کار داشتند. اما با وصف چنین وضعیت نابسامانی، در ششم میزان انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد

آگاهان در پاسخ به عدم حضور مردم در انتخابات ۶ میزان: مردم از انتخابات خاطره بد داشتند

ناجیه نوری



امنیتی، نارضایتی مردم از حکومت وحدت ملی، بی‌باوری مردم نسبت به دموکراسی نوپا و وجود تقلب و تخلف در انتخابات عنوان می‌کند که دست به دست هم داده و سبب حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات شد.

آقای رحمانی تأکید کرد، کم‌رنگ بودن مبارزات انتخاباتی و سفر نکردن نامزدان به هدف مبارزات انتخاباتی به ولایات و لسوالی‌ها علت دیگر حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات بود.

او افزود، حضور چهره‌های ناشناخته مانند جلیلی که خواهان امارات اسلامی است، آقای تورسن که خود را صد در صد برنده می‌داند و گلبدین حکمتیار میزان مشترک مردم در انتخابات را به شدت پایین آورد.

تمیم عاصی معاون پیشین وزارت دفاع ملی در صفحه فیس‌بوکش نگاشته است، در انتخابات شش میزان به صورت تخمینی چیزی بیشتر از ۲ میلیون رأی استعمال شده است. این مجموع رأی تا هنوز از فیلتر کمیسیون شکایت انتخاباتی و جدا سازی رأی پاک و ناپاک نگذشته است. اگر این کار صورت بگیرد مجموع رأی استعمال شده به کمتر از ۲ میلیون تنزیل خواهد کرد که متأسفانه این میزان مشارکت چند معنا دارد.

این انتخابات به احتمال زیاد برنده قاطع نداشته و به دور دوم خواهد رفت و هر حکومتی که از پروسه این انتخابات برآید نهایت شکستنده، ضعیف و از مشروعیت رنج خواهد برد.

در این انتخابات یک کاندید می‌تواند به احتمال زیاد به رأی کم‌تر از ۱ میلیون رییس‌جمهور افغانستان شود. آیا شخصی که با کم‌تر از یک میلیون رأی پیروز انتخابات گردد، نماینده‌گی از ۳۴ میلیون تن کرده می‌تواند؟

برآمد هر نوع حکومتی از این انتخابات یک حکومت وحدت ملی جدید و یا در نهایت ائتلافی خواهد بود. هیچ کس به تنهایی خود پیروز میدان نخواهد بود.

این انتخابات پیام واضح به حکومت و حاکمان دارد. از مردم دهات افغانستان بیگانه اند و تنها چند پای‌گاه محدود در شهرها دارند؛ بنابراین تا دیر نشده با جوانان غرب‌زده و بی‌ریشه خود را به باد فنا ندهید

تهدیدات امنیتی، عدم اعتماد مردم نسبت به شفافیت انتخابات، عدم اعتماد نسبت به بی‌طرف بودن کمیسیون‌های انتخابات و کم‌رنگ بودن کمپاین نامزدان باعث حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات شش میزان شده است.

تا روز انتخابات برخی از رهبران سیاسی به این باور بودند که انتخابات برگزار نمی‌شود و اکثریت‌شان گفت‌وگوهای صلح را ترجیح می‌دادند از طرفی هم، فضای عمومی و بین‌المللی برضد انتخابات بود و ایجاد فضای بی‌باوری در انتخابات‌های گذشته از دلایل حضور کم‌رنگ مردم در روز انتخابات خوانده شده است.

تحلیل‌گران سیاسی می‌گویند که در کنار تهدیدات امنیتی و کم‌رنگ بودن مبارزات انتخاباتی، حضور چهره‌های مانند جلیلی، آقای تورسن، گلبدین حکمتیار و... میزان مشترک مردم در انتخابات را به شدت پایین آورد.

شهلا فرید استاد دانشگاه کابل در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار دلیل کم‌رنگ بودن حضور مردم در انتخابات را تهدیدات بلند امنیتی، بی‌باوری مردم نسبت به برگزاری انتخابات و کم‌رنگ بودن مبارزات انتخاباتی از سوی نامزدان عنوان می‌کند.

بانو فرید می‌گوید، حتی یک روز پیش از انتخابات مردم باورمند نبودند که انتخابات برگزار می‌شود، چون توجه رهبران سیاسی، نامزدان و جامعه جهانی به گفت‌وگوهای صلح متمرکز شده بود و باورها این بود که گفت‌وگوها نتیجه خواهد داد و انتخابات برگزار نخواهد شد.

او تأکید کرد، مردم از انتخابات مجلس نماینده‌گان نیز خاطره بد داشتند و باورشان این بود که تقلب و تخلف حرف اول را می‌زند نه انتخاب مردم و کمیسیون‌ها حرمت رأی مردم را نگه نمی‌دارند.

این استاد دانشگاه افزود، مستقل بودن کمیسیون انتخابات نیز زیر سوال است. تمامی این موارد سبب شد تا مردم علاقه برای شرکت در انتخابات نداشته باشند و نتیجه حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات شد. بالین حال، عارف رحمانی عضو مجلس نماینده‌گان دلیل حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات را تهدیدات

است..

این درحالی‌ست که کمیسیون انتخابات آمار تخمینی ۲۵۹۷ مرکز از ۴۹۰۵ مرکز رأی‌گیری را که به آن مواد انتخاباتی ارسال شده بود را شام شنبه اعلام کردند.

به گفته مسوولان در کمیسیون انتخابات، در ۲۵۹۷ مرکز، آماري که از طریق تلفن از مسوولان محلی دریافت کرده‌اند، یک میلیون و ۵۱ هزار و ۹۹۸ نفر شرکت کردند. نظر به این آمار تخمینی میزان مشارکت مردم در انتخابات نسبت به دوره قبلی پایین بوده است.

گفتنی‌ست که آمار اعلام شده از سوی کمیسیون انتخابات، آمار تخمینی اعلام شده است و مسوولان در کمیسیون تأکید کرده اند که این جمع‌بندی غیرمعیاری و تخمینی است.

و دوباره به مردم رجوع کنید.

در همین حال، حامد علمی آگاه سیاسی در صفحه فیس‌بوک خود دلیل کم‌رنگ بودن حضور مردم در انتخابات را بی‌باوری بر شفافیت پروسه، تأثیر گذاری پروسه مذاکرات صلح با طالبان، تهدیدهای امنیتی، بسته بودن مراکز رأی‌دهی خصوصاً در ولایات پر نفوس مانند بلخ، فاریاب و... بی‌باوری بر ظرفیت کمیسیون مستقل انتخابات، مایوسیت از نتایج انتخابات دور گذشته ریاست‌جمهوری و پارلمانی، به تعویق افتادن انتخابات برای چندین بار، مجزا شدن انتخابات ریاست‌جمهوری از شوراهای ولایتی، نبود استراتژی مدون تبلیغاتی اعم از حکومت و کمیسیون انتخابات، تهدید بر تحریم انتخابات توسط نامزدان، عوارض تخنیکی و تقاضای عکس‌زنان عنوان کرده

یک کمیشنر کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌ها:

شکایت‌ها زیاد جدی نخواهد بود

روح‌الله بهزاد



که ثبت شکایت در شفافیت نتیجه انتخابات مهم و تأثیرگذار و به همین دلیل از نهادها و جریان‌های دخیل در پروسه انتخابات خواست تا شکایت‌های شان را در این نهاد ثبت کنند.

قطب‌الدین رویداد گفت که اطلاعات دقیق در مورد میزان شکایت را فردا پس از شام اعلام می‌کنند. آقای رویداد افزود که سه روز پس از آن، نوعیت شکایت‌ها را با رسانه‌های و مردم شریک خواهند کرد. این کمیشنر کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی در پاسخ به یکی از خبرنگاران گفت که به مردم اطمینان می‌دهد که شکایت‌ها زیاد «جدی» نخواهد بود.

کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌های انتخابات تا بیست‌ودوم ماه جاری فرصت دارد تا به این شکایات رسیده‌گی کند. قرار است فیصله نهایی این کمیسیون درباره این شکایت‌ها به تاریخ ۲۳ میزان برای اعلام به کمیسیون مستقل انتخابات سپرده شود. قرار است پس از این، نتیجه ابتدایی انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۷ میزان اعلام شود. گفتنی است که چهارمین دور انتخابات ریاست‌جمهوری کشور روز شنبه هفته جاری، ششم میزان در سراسر کشور برگزار شد. قرار بود بیش از ۹ میلیون تن در این انتخابات اشتراک کنند، اما در روز انتخابات دیده شد که حضور مردم در مراکز رأی‌دهی بسیار کم‌رنگ بود. اما تخمینی کمیسیون انتخابات نیز نشان می‌دهد که بیش از یک‌ونیم میلیون تن در این انتخابات اشتراک کرده اند.

نام بسیاری از رأی‌دهنده‌گان در فهرست چاپی و دیجیتالی ثبت شده است. آقای الیاسی بیان داشت که بررسی جرایم انتخاباتی را در اولویت کارهای‌شان قرار خواهند داد.

در سوی دیگر، قطب‌الدین رویداد، کمیشنر دیگر کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌های انتخاباتی در این نشست گفت که با مردم افغانستان تعهد دارند و بر بنیاد قانون تمام شکایت‌ها را با استقلالیت و مطابق زمان‌بندی کمیسیون بررسی و اعلام خواهند کرد.

آقای رویداد نیز بیان داشت که تا ساعت پنج امروز دوشنبه، شکایت می‌پذیرند. او اظهار داشت

بود. قاسم الیاسی، سخنگو و کمیشنر کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌های انتخاباتی در این نشست گفت که بیشترین آمار شکایت از شهر کابل بوده که میزان آن تا ۸۷۷ شکایت می‌باشد.

آقای الیاسی گفت که به لحاظ موضوع‌بندی، ممکن است این شکایت‌ها محدود شود. او افزود که ممکن است چندین شکایت در مورد نبود نام‌های رأی‌دهنده‌گان در فهرست بوده باشد. این کمیشنر کمیسیون انتخابات اظهار داشت که شکایت‌های انتخاباتی در ۲۲ موضوع جداگانه دسته‌بندی خواهد شد.

قاسم الیاسی گفت که مهمترین شکایت از نبود

مسوولان در کمیسیون رسیده‌گی به شکایت‌های انتخاباتی دیروز یکشنبه، هفتم میزان در یک نشست خبری در کابل در مورد شکایت‌های ثبت شده از روند برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری خبر دادند.

آنان گفتند که تا کنون ۲۲۷۵ شکایت از سراسر کشور در این کمیسیون ثبت شده و این شکایت‌ها نهایی نیست و مردم، احزاب سیاسی، نهادهای ناظر و نامزدان می‌توانند تا شام امروز دوشنبه، ۸ میزان در این کمیسیون شکایت درج کنند.

اما یک کمیشنر این کمیسیون در این نشست به مردم اطمینان داد که این شکایت‌ها «جدی» نخواهد

مصاحبه آیین

حامد علمی - بخش پنجاه و پنجم

در مصاحبه با خارجی، سعی شود که یک پرسش برای سهولت ترجمه به چند قسمت خیلی کوتاه تقسیم گردد و زیر لغات و جملاتی که بسیار سیاسی و یا جنجالبرانگیز است، خط کشیده و دوباره پرسیده شود تا از درک و پاسخ آن به صورت دقیق اطمینان حاصل گردد.

مصاحبه نخست کلمه به کلمه یادداشت و بعداً با دقت به پرسش و پاسخ مفهومی برگردانده شود. به همین ترتیب، اگر امکان داشت در صورت یاری وقت مصاحبه بار دیگر با ترجمان مرور شود و در اخیر مانند مصاحبه گرفته شده نشریه، متن مصاحبه با نوار ثبت شده در اختیار مدیر مسؤول یا متصدی نشریه گذاشته شود.

هرگاه مصاحبه برای نشرات صوتی صورت می‌گیرد، در آن صورت بازهم دو حالت دارد: یکی این که مصاحبه از جایی گرفته شده یا به زبان خارجی صورت گرفته و ترجمه می‌گردد، یا این که مصاحبه‌کننده با یک خارجی در موجودیت ترجمان مصاحبه می‌نماید.

در هر دو حالت، ترجمان باید تسلط کامل به هر دو زبان داشته باشد. ترجمان می‌تواند از طرف مصاحبه‌کننده و یا مصاحبه‌شونده تعیین گردد. مصاحبه‌کننده باید آگاه باشد که مصاحبه‌شونده به کدام زبان‌ها آشنایی دارد و آیا برای مصاحبه به ترجمان نیاز دارد یا خیر. اکثراً زعماء و سیاستمداران ترجمان‌های مسلکی در اختیار می‌داشته باشند.

عیب بزرگ این نوع مصاحبه‌ها آن است که حالت روانی و حرکات بدنی مصاحبه‌شونده به مخاطبان بیان نمیشود و اگر ترجمان حاضر در مصاحبه باشد، باید متوجه بود که ترجمه هم‌زمان مهارت زیاد می‌خواهد.

اما اگر ترجمه بعد از ثبت مصاحبه صورت گیرد، در این حالت وقت بیشتر برای ترجمه موجود می‌باشد و بعد از ترجمه مصاحبه یک گوینده می‌تواند آن را روخوانی نماید. اگر در ثبت ترجمه از صداهای دو گوینده یکی مصاحبه‌کننده و دیگری مصاحبه‌شونده، استفاده شود، بهتر است. و اگر مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده یک زن و دیگری مرد باشند، بهتر است تا از گوینده‌گان زن و مرد استفاده صورت گیرد. به همین ترتیب اگر مصاحبه با طفل می‌باشد، از یک گوینده خردسال باید کار گرفت. همچنان برای رادیو جالب است اگر مطابق وظیفه و قیافه مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده، گوینده انتخاب نماید.

اگر مصاحبه‌کننده برای نشر وقت کافی دارد و تهیه‌کننده موافقت می‌نماید، خوب خواهد بود که حالت روانی و حرکات بدنی مصاحبه‌شونده را در مقدمه کوتاه آن به‌دقت بگنجانند. البته این بیان واقعیت، مستلزم مهارت و تجربه و موقف مصاحبه‌شونده می‌باشد.

ترجمه مصاحبه‌های تلویزیونی مانند ترجمه مصاحبه‌های رادیویی است و علاوه بر نکته‌هایی که در ترجمه مصاحبه‌های رادیویی بیان گردید، در مصاحبه‌های تلویزیونی جای قرار گرفتن ترجمان مهم است و باید این تعیین جای قبل از جریان ثبت مشخص می‌شود. عده‌ی از مصاحبه‌کننده‌گان و تهیه‌کننده‌گان دوست ندارند که چهره ترجمان در صفحه تلویزیون نمایان شود. بنابراین در بیرون از ساحه ضبط کمره جایی برای ترجمان باید مد نظر گرفت.

اگر مصاحبه تلویزیونی بعد از ثبت ترجمه شد، بازهم از دو حالت خالی نیست. یکی این که مصاحبه را به زبان خارجی گذاشته، در زیر آن ترجمه‌اش را می‌نویسند و روی صفحه تلویزیون می‌آورند؛ و یا این که متن مصاحبه ترجمه گردیده و توسط گوینده خوانده می‌شود که در آن صورت تصویر گوینده بخش نمی‌شود.

اصول تخنیکي نشر این نوع مصاحبه‌ها طوری است که در آغاز هر پرسش و پاسخ برای چند ثانیه صدای اصلی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده انعکاس داده می‌شود و بعداً صدای گوینده که متن ترجمه‌شده را می‌خواند، پخش می‌شود که در اصطلاح تلویزیونی به آن وایس‌اوپر یا مکس‌دون می‌گویند. در این نوع ترجمه‌ها نیز مانند رادیو اگر از دو گوینده استفاده شود، بهتر است و اگر صدای گوینده با موقف، سن، چهره و شخصیت مصاحبه‌شونده تطابق داشته باشد، یک کار مسلکی انجام شده است.

خلاصه فصل

- دیدگاه‌های متفاوت در ترجمه مصاحبه وجود دارد.
- مصاحبه برای رسانه‌های چاپی دو حالت می‌داشته باشد.
- مصاحبه می‌تواند کلمه به کلمه و یا مفهومی باشد.
- در ترجمه مصاحبه‌های رادیویی، حالت روانی مصاحبه‌شونده بیان شده نمی‌تواند.
- ترجمه مصاحبه‌ها به دو حالت صورت می‌گیرد.



بنام در تعریف لذت بیان می‌دارد: «در این باب به نازک‌اندیشی و متافیزیک نیاز نداریم. لازم نیست به آثار افلاطون یا ارسطو مراجعه و استناد کنیم. لذت و الم همان چیزهایی هستند که هر کس احساس‌شان می‌کند». بنام هفت ویژه‌گی را برای لذت مطلوب مطرح می‌نماید. این ویژه‌گی‌ها عبارت‌اند از: شدت، مدت، قطعیت یا عدم قطعیت، دوری و نزدیکی (نقد و نسیه)، باروری (به دنبال لذت‌های دیگر را نیز بیاورد)، خلوص (فراغت از احساس‌های مخالف لذت. یعنی بی‌الم یا کم‌الم بودن) و دامنه شمول یعنی بیشترین افراد جامعه را در حیطه خود قرار دهد.

پرسش مهم این است که آیا در نظریه بنام، منفعت جمع، هدف اصیل است یا ابزار یک هدف اصیل دیگر؟ به نظر می‌رسد بنام در تراحم منفعت شخصی با منفعت جمعی، منفعت شخصی را مقدم و مرجح برمی‌شمارد. هرچند که کلمات وی در این باره کاملاً روشن و صریح نیست؛ چرا که در یک‌جا منفعت شخصی و جمعی را در عرض هم قرار می‌دهد، اگرچه منافع شخصی را مقدم و اصیل‌تر برمی‌شمارد. وی در این باره عنوان می‌دارد:

«قطعاً باید پذیرفت که منفعی که یک انسان در هر فرصت و هر زمانی معیار سنجش قرار می‌دهد، منافع شخصی خویش است. با این وجود در هیچ فرصتی نیست که آدمی انگیزه‌هایی برای توجه به خوش‌بختی دیگران نداشته باشد. اولاً آدمی در هر شرایطی از انگیزه صرفاً اجتماعی همدلی و خیرخواهی برخوردار است. ثانیاً انسان در بسیاری از مواقع، انگیزه‌های نیمه اجتماعی روابط دوستانه و علاقه‌مندی به حسن شهرت و اعتبار را داراست».

نقد اندیشه‌های بنام

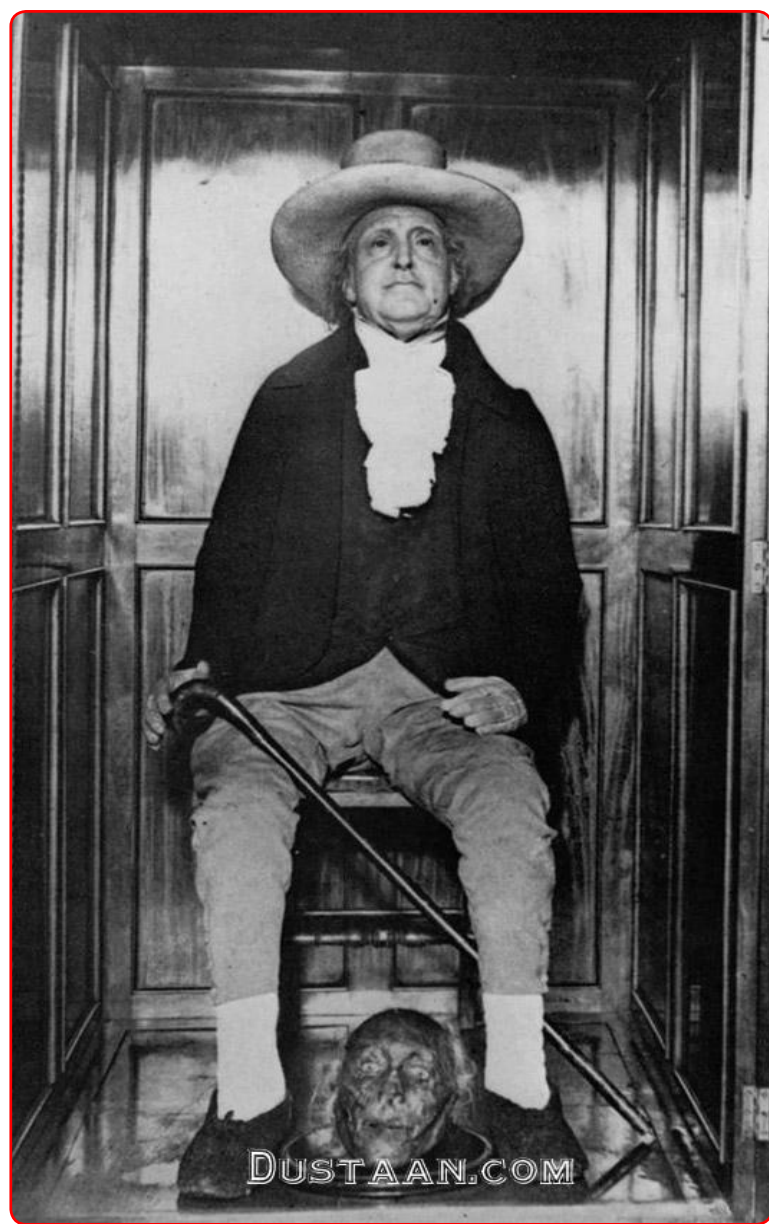
۱. آن‌گونه که بیان گشت، کار خیر و اخلاقی از منظر بنام، کاری است که با خوشی و لذت قرین باشد. و کار شرّ و غیر اخلاقی به فعلی اطلاق دارد که از لذت و خوشی برخوردار نبوده و با درد و رنج آمیخته است. ملاک داوری در اصل فایده‌مندی و فایده‌بخشی بنام، یگانه اصل لذت‌جویی است. تنها دو مفهوم لذت و درد است که پیش روی دیده‌گان افراد ذی‌ربط فلسفه بنام قرار می‌گیرد. ارزیابی تمامی اخلاقیات و امور مترقی و متعالی از منظر سود و لذت، به ناقص و تک‌بعدی بودن این فلسفه صحنه می‌گذارد؛ چرا که دستورات اخلاقی و انسانی، دامنه‌ی بس فراخ‌انگ‌تر از آن دارد که تنها از دریچه باریک و محدود لذت‌گرایی و لذت‌جویی نگرسته شود.

۲. عمده‌ترین ایراد فلسفه فایده‌مندی بنام، عدم توجه به سعادت اخروی و کمال ابدی است؛ یعنی این نظریه صرفاً کانون تمرکز خود را بر لذایذ دنیوی معطوف ساخته و حسابی را برای کمالات جاویدان و سعادت ابدی نمی‌گشاید. حال آن‌که اگر به سعادت بشری و ابدی و نیز توجه گردد، بسیاری از حساب‌گری‌های فلسفه سودمندی درهم ریخته و با بطلان روبه‌رو خواهد گشت. هم‌چنین این نظریه با توجه به این‌که به منشا لذت و خوشی توجهی نمی‌کند و لذت را ورای منشای آن توجیه‌پذیر و مقبول بر می‌شمارد، دارای تالی فاسد بوده و خود زمینه‌ساز بی‌اخلاقی و انحطاط خواهد گشت.

۳. باید اذعان داشت این نکته که انگیزه‌های افراد از ارتکاب اعمال اخلاقی و پای‌بندی به اخلاقیات را صرفاً منافع شخصی بدانیم، موجه و قابل دفاع نیست؛ چرا که در عالم واقع، بسیاری از افعال آدمی از روی عاطفه انسانی و دلایل اجتماعی انجام می‌پذیرد، نه به سبب منفعت شخصی و یا منفعت جمعی.

۴. دیدگاه اصالت منفعت در مقام استدلال و جدل از پشتوانه کافی برخوردار نبوده و از عقلانیت و صلابت منطقی برخوردار نیست. باید اذعان داشت دیدگاه نفع‌گرایی که توسط بنام ارایه گشته است، پیش از او توسط قدما ابراز گردیده؛ بنابراین اندیشه وی یک تفکر فلسفی جدید و نوینی به شمار نمی‌آید. اما نفع‌گرایی در تفکر قدما بیشتر در قالب الاهیاتی بوده و در فلسفه اخلاق بنام تنها در بعد و شکل دنیوی‌اش هبوط می‌نماید.

۵. دیدگاه بنام در موارد تراحم و تعارض منفعت شخصی با منفعت جمعی، به ارایه راه حل متقن و مشخصی نمی‌پردازد. هم‌چنین در موارد تراحم منفعت مساوی و تنافی ملاک‌های هفت‌گانه، راه‌حلی از سوی این نظریه ارایه نمی‌گردد.



منفعت‌گرایی

و سودجویی

در آرای بنام

معصومه نعمتی

این اصل را خودخواهی نامید. چرا که سود و خوشی افراد با یکدیگر منافات و مزاحمت نباید داشته باشد. از این‌رو خودخواهی با غیر خودخواهی کاملاً سازگار بلکه لازم و ملزوم یکدیگر اند.

به دیده جرمی بنام یگانه فلسفه اخلاق در جهان سودگرایی بوده و از همین‌رو عمل اخلاقی درست و صواب در هر وضع و حالی، عملی است که لذت و سعادت کلی را به حد اعلی درجه گسترش دهد. وی سعادت را حالتی قرین خوشی و سرور می‌داند.

در عبارتی کوتاه لذت یعنی غیاب درد و رنج. از این‌رو میزان این لذت هرچه قدر افزون‌تر باشد، بهتر و توجیه‌پذیرتر است. بنام نفس سودمندی و لذت‌گرایی را محور و مرکز ثقل اندیشه خود ترسیم می‌نماید؛ بی‌آن‌که به منبع و منشا این لذت و خوشی نیم‌نگاهی داشته باشد. از این‌رو در فلسفه بنام فرقی نمی‌نماید که سرمشا لذت چه بوده و این لذت‌گرایی از کجا نشأت بگیرد.

رویکرد بنام به اخلاق مبتنی بر بی‌جویی لذت است، ولی نه بی‌جویی لذت خود فرد، بلکه بی‌جویی بیشترین لذت کل. به زعم بنام، ملاک و معیار داوری در مورد اعمال و کردار انسان‌ها، نتایج احتمالی آن‌هاست و نه اصول و قواعدی دینی یا مجموعه‌ی از اصول الزام‌آور که فارغ از نتیجه آن می‌بایست آن‌ها را مورد متابعت و نصب‌العین قرار داد. بنام در حصول بیشترین میزان سعادت کلی یا به عبارتی بیشترین مقدار مجموع سعادت به نحوه توزیع آن توجهی ندارد. اگر از دریچه نگاه بنام به جهان نگرسته شود، در پاسخ به این پرسش که بهتر است تعداد بیشتری از افراد از سعادت‌مندی و خوشی برخوردار باشند یا تعداد اندکی از بیشترین میزان خوشی. لاجرم دومین فرض ارجح داده خواهد شد. بنام در تطبیق بی‌طرفانه محاسبه لذت بیان می‌دارد: «هرکس یک نفر به حساب می‌آید نه بیش از یک نفر».

جرمی بنام در سال ۱۷۴۸ در انگلستان دیده به جهان گشود. کتاب «درآمدی بر اصول اخلاق و حقوق» بنام برای نخستین‌بار در سال ۱۷۸۰ و سپس در سال ۱۷۸۹ به طبع رسید. دلبسته‌گی اصلی بنام در حقوق و به‌ویژه قانون‌گذاری، این پرسش عمده بود که چگونه می‌توان تعیین نمود که چه قوانینی باید تصویب، اصلاح یا لغو شوند؟ آنچه بنام آن را «اخلاق شخصی» می‌خواند، تنها نقش فرعی را در این مسأله ایفا می‌کند.

بنام در سال ۱۷۷۶ ضمن نوشتن مقاله «دریاره حکومت»، این اصل را به عنوان اصل عمده تلقی می‌کند که «بیشترین خوش‌بختی برای بیشترین افراد است که معیار درستی و نادرستی است». در این‌جا خوش‌بختی به عنوان غلبه لذت خالص بر آلام خاص تلقی گشته و به عنوان تقریر و تسنیق کلی و اساسی نظریه فایده‌مندی ابراز می‌گردد. باید عنوان داشت بنام مبدع و مبتکر نظریه فایده‌مندی نمی‌باشد؛ چرا که پیش از وی در یونان باستان، اپیکور و در قرن هجدهم هلوئیوس در فرانسه و هارتل و تاگر در انگلستان از آن دفاع کرده بودند. بنابراین نقش عمده بنام نه در ابداع سودگرایی بود و نه در محاسبه لذت‌گروانه؛ بلکه در سامان دادن مشروح تطبیقات اصل منفعت به‌ویژه در رابطه با قانون‌گذاری و نظام‌های مدنی و جنایی بود.

اصل کلی فلسفه بنام بر منفعت‌گرایی و سودجویی استوار است. این بنیاد اخلاقی بر این باور بود که میزان و معیار کردار، یعنی عمل نیک و بد و موجبات آن‌چه در عالم اخلاق و چه در عالم سیاست، رنج، خوشی و لذت است. از این‌رو می‌بایست عملی را اختیار و اتخاذ نمود که خوشی و لذت حاصل از آن بیشتر، بادوام‌تر و مؤثرتر و شامل حال جماعت بیشتری باشد. عمل شر و عملی که باید از آن دوری جست، آن است که رنجی از آن برآید و فایده و لذتی را برای انسان در پی نداشته باشد. شاید بتوان

تخیل بزرگمهر اساسی برای نوشتن

ناتاشا امیری

بخش نخست

می‌توان این الهامات را چون به نوعی صدا و ندا تشبیه شده‌اند، انرژی خاص با ارتعاشاتی معین پنداشت. همین که فیزیک کوانتوم هم کم‌کم اعتقادات خردمندان پیشین را درباره انرژی حیاتی تأیید می‌کند، کافی‌ست که باور داشته باشیم ارتعاشات حوزه انرژی بیرونی می‌تواند بر حوزه انرژی انسان تأثیر بگذارد. صرف‌نظر از صورت ظاهری میوس‌ها می‌شود این‌طور فرض کرد که آن‌ها همان ارتعاشات خردی برتر یا بی‌نهایتی ناشناخته در کاینات هستند که می‌توانند از طریق دو نادی موجود در کالبد انرژیایی انسان (که یکی با جهان درون ذهن ارتباط دارد و دیگری با جهان بیرون و مدام انرژی حیاتی را مثل جریان خون در رگ‌ها در بدن می‌گرداند)، پیام‌های خود را به نویسنده منتقل کنند

نیمه‌شب پشت میز می‌نشینم. کتابخانه کنارمان پر از کتاب‌هایی است که به‌دقت خوانده شده و نوشته‌هایش حال در بایگانی ذهن ماست. نوک مدادمان برای حک کردن کلمات روی سفیدی کاغذ تیز است... سکوت بر همه‌جا حکم فرماست... همه چیز آماده است...

اما چند لحظه از نوشتن نگذشته، حرکت دست‌مان روی کاغذ متوقف می‌شود، کلمات بی‌مایه و سرد اند. از خودمان سوال می‌کنیم قضیه چیست؟ موضوع مورد نظرمان که کاملاً روشن است؛ یک تصادف، یک خیانت، قتل... اما چرا آنچه می‌نویسیم، آنی نیست که خیال می‌کردیم؟

ورق را پاره و دوباره تلاش می‌کنیم. واقعاً داریم از تمام قوای ذهنی‌مان برای نوشتن کمک می‌گیریم. اما انگار محفوظات چون از سطحی‌ترین لایه روان، از همان‌جا که اغلب افکار مزاحم هم ذهن را درگیر می‌کند تراوش می‌شوند؛ نمی‌توانند تنها عامل لازم برای نوشتن باشند. گرچه خط فکری‌مان را تکمیل کرده‌اند اما مکنونات درونی ما نیستند، چیزهایی هستند که دیگر نویسنده‌گان پیش از ما به رشته تحریر درآورده‌اند.

جای تردید نیست که فکر، فعل و انفعالی سطحی است، هرچه‌قدر هم انباشته از ایده‌های فلسفی ناب و افکار به‌ظاهر بکر باشد. در این جایگاه خبری از ناشناخته‌های اعماق روان نیست. پس برای همین نوشته ما چیز جدیدی ندارد و تنها تقلیدی است از آنچه پیشتر بوده. عده‌یی اعتقاد دارند هر مطلبی فقط در صورتی که تقلیدی نباشد، دارای خلاقیت است. ما هم قصد داریم داستانی جدید خلق کنیم و کلمات نوشته شده‌مان، ادراکی تازه از موضوع ارایه دهد، نه این‌که تکرار معنای پیشین باشد. باز نوک قلم را روی کاغذ می‌لغزانیم. واقعاً داریم زحمت می‌کشیم. شاید بلند کردن هالتری پنج‌صد کیلوگرمی راحت‌تر باشد! نتیجه هم ناامیدکننده است. هیچ چیز درست در نمی‌آید، نه صحنه‌ها و نه شخصیت‌ها و نه زبان...

عاقبت خسته و کلافه از پشت میز بلند می‌شویم و فکر می‌کنیم آن چیزی که برای نوشتن کم داریم، واقعاً چیست؟

کیفیت توصیف‌ناپذیر

اگر مراحل پیچیده سوخت‌رسانی و هماهنگی اجزای موتور را از یاد ببریم، وقت راننده‌گی در جاده، گمان می‌کنیم نقش مهمی در راندن آن داریم. هنگامی که نقصی در یکی از اجزا حاصل می‌شود و ناگزیریم در حاشیه راه متوقف شویم، تازه به خود می‌آییم که ما فقط یک مجری در هدایت آن بودیم و اگر آن نقص برطرف نشود، توانایی ما در راننده‌گی هیچ دردی را دوا نمی‌کند. همه ما قادریم چیزهایی بنویسیم، اما این دلیل نمی‌شود که عامل دیگری، هرچند هم نتوانیم ماهیتش را بدرستی درک کنیم، در این کار به ما کمک نکرده باشد. وقتی روند تفکر درباره موضوعی مشخص به قدری پیچیده باشد که نتوان تفکیک‌شده بیان کرد، وضعیت دشوار ایجاد مراحل منطقی و فزاینده‌ی شده برای روند ناشناخته نگارش داستان که شرط لازم برای نوشتن است، بیشتر آشکار می‌شود. بیشتر به این دلیل که کیفیات ذهنی قابلیت تبیین علمی به شکل متعارف را ندارند. برای شخصی که از سر گذرانده‌اش مفهوم است، اما برای دیگران دسترسی به آن مثل شراکت در رویاهای شخصی تجربه کننده است، یعنی تقریباً امری محال. شکل‌گیری آفرینشی از این دست بر مبنای تجربه‌یی ملموس است؛ تجربه‌یی که در اغلب مواقع به سختی ادراک می‌شود. اما کتمان آن از طرف کسانی که تجربه مشابه آن را نداشتند، غیرمستقیم عنوان می‌کند آن‌ها چیزی را که دیگری حس کرده، حس نکرده‌اند. اما این فقدان ناشی از عدم تجربه آن‌هاست نه فقدان خود تجربه.

لزوم پیدایش چنین پدیداری ناشی از ضرورت راه‌یابی به چیزی ناب، متفاوت و نوین است؛ چیزی که بتواند وقایع یک داستان را از واقعیت بیرونی‌اش متمایز کند. شکلی جدید و جلوه‌یی نوظهور به آن ببخشید، طوری که حتا در صورت تکراری بودن مضمون، به نظر برسد برای نخستین بار رخ داده است. در این حالت دانش محدود بیرونی نقش یک کاتالیزور را بازی می‌کند و با صیقل‌نهایی متن، آن را آماده روانه شدن به بازار می‌کند. اما این قدرت شهود است که با اتکا به دانش نامحدود، از متنی معمولی، ابرمتن می‌سازد.

این روند اغلب به قدری سریع رخ می‌دهد که حس نمی‌شود؛ در زمانی شاید کمتر از هزارم ثانیه. جریانی مداوم و همیشه‌گی هم نیست اما وقوعش به شکل متناوب درست مثل مخزنی که سوخت لازم برای حرکت را تأمین می‌کند؛ با سیل بی‌پایان کلمات برای نگارش همراه است. چون فاقد واقعیت بیرونی است، می‌توان ادعان داشت در پروسه‌یی تماماً شهودی، اتفاق افتاده است. اما باید مثل فلمی با دور کند نمایش داده

شود تا بتوان فهمید چه وقایعی در آن لحظات اندک اتفاق افتاده است.

فرضیه‌یی به نام تخیل

هرچند در مواجهه با وقایعی که علت‌شان هم پا در ناشناخته‌ها دارد، نمی‌توان به تبعیت از منطق حاکم بر شناخته‌ها رابطه‌یی علی را کشف کرد، اما می‌توان از الگوی علیت برای توجیه و قابل‌فهم‌تر کردن ناشناخته‌ها بهره جست. بنابراین صندوقی را فرض کنید که کلیدی قفلش را بسته است. این صندوق در ضمیر ناهشیار روان قرار دارد (بر فرض اعتقاد به اصالت ذهن که یک واقعیت روانی متمایز از واقعیت مادی و از فعالیت‌های مغزی است و تقسیم روان به سه شعبه هشیار، آستانه هشیاری و ناهشیار)، جایی که بخش وسیعی از دستگاه روانی را تشکیل می‌دهد و اطلاعات درباره‌اش به اندازه میزان درک انسان‌های غارنشین از مکانیسم عمل موشک است.

ما نه درک درستی از آن داریم، نه حتا می‌دانیم وجود دارد. در مجموع آنچه درباره خود می‌دانیم، تنها بخش کوچکی از ماهیت وجودی‌مان است. به یقین که روان

برنامه‌ریزی عمدی و سازمان‌دهی از پیش تعیین‌شده‌یی برایش در کار نبوده است.

ارتعاشات الهام‌بخش

اگر بتوان آن حس عجیب را زیر میکروسکوپ گذاشت و تمام اجزایش را با درشت‌نمایی زیاد بررسی کرد، در آخر این سوال پیش می‌آید که آن عامل نادیدنی که بانی تمام این مراحل است و کلید را در قفل به حرکت وامی‌دارد، چیست؟

در اساطیر یونان به ایزدبانو و الهه‌های نه‌گانه هنر، دختران زیوس یا museها برمی‌خوریم که الهام‌بخش جوینده‌گان هنر بودند. با بررسی بیشتر به این درک می‌رسیم که اسطوره تلاشی به منظور توضیح اسرار زنده‌گی و واقعیت‌های پیرامون، توسط امور فراطبیعی است و این‌که انسان در تلاش ایجاد صلحی روانی میان طبیعت و خودش، و هم‌چنین تبیین پدیده‌هایی که به علت‌شان واقف نبوده، به تعبیرات فراطبیعی روی آورده؛ اما همین امر اثبات‌کننده این‌هم هست که پس دانش محدود بشری هنوز نمی‌تواند توجیه‌کننده بسیاری چیزها باشد.



چون انسان همه‌چیز را به شکل خود می‌آفریند، نویسنده‌گان هم در مواجهه با صداها، ناهای یا ارتعاشاتی الهام‌بخش که گمان می‌کردند در امر نوشتن به کمک‌شان می‌آید، به میوس‌ها متوسل می‌شدند و به آن‌ها صورتی انسانی اما ماورایی می‌بخشیدند که در جایی بر فرض کوه هلیکون حضور دارند. شاید نویسنده‌گان با این توجیهات تخیلی می‌کوشیدند برای حس ناشناخته‌شان که در وجودش تردیدی نداشتند، داستانی زیبا و توجیه‌پذیر بسازند.

می‌توان این الهامات را چون به نوعی صدا و ندا تشبیه شده‌اند، انرژی خاص با ارتعاشاتی معین پنداشت. همین که فیزیک کوانتوم هم کم‌کم اعتقادات خردمندان پیشین را درباره انرژی حیاتی تأیید می‌کند، کافی‌ست که باور داشته باشیم ارتعاشات حوزه انرژی بیرونی می‌تواند بر حوزه انرژی انسان تأثیر بگذارد. صرف‌نظر از صورت ظاهری میوس‌ها می‌شود این‌طور فرض کرد که آن‌ها همان ارتعاشات خردی برتر یا بی‌نهایتی ناشناخته در کاینات هستند که می‌توانند از طریق دو نادی موجود در کالبد انرژیایی انسان (که یکی با جهان درون ذهن ارتباط دارد و دیگری با جهان بیرون و مدام انرژی حیاتی را مثل جریان خون در رگ‌ها در بدن می‌گرداند)، پیام‌های خود را به نویسنده منتقل کنند.

غیرقابل رویت و مجازی است، درست مثل جهان درون کمپیوتر. اما گاهی این جهان واقعی‌تر از آنچه ما خود هستیم به نظر می‌آید. شاید در سالون تشریح انسان مشتکی نسج و رگ و چربی و خون مشاهده شود و در هیچ جای وجودش اثری از مکان و استقرارگاه انرژی پیدا نشود، اما این دلیل نمی‌شود که بخشی از وجودش متشکل از انرژی نبوده باشد. رد پای کالبد انرژی (بیوپلاسمیک) را به شکل هاله گرد سر انسان‌ها در نقاشی‌های روم، یونان و مصر باستان می‌توان یافت. هالیبیین معتقد اند این کالبد یا حوزه انرژیکی انسان، متشکل از ۷ لایه، ۷ مرکز مدور و ۳ نادی‌ست که کالبد فیزیکی او را احاطه کرده است. در اغلب مردم سه یا چهار مرکز انرژی مدور و پایینی فعال است، اما با گسترش علم و ارتقا تحصیلات، مراکز بالاتر مثل پنجم و ششم که با منبع الهام، خلاقیت، کشف و شهود در ارتباط است، فعال می‌شوند.

از همین طریق یک روز رویداد خلاقه نوشتن، ناگهانی و بی‌مقدمه، درست در لحظه‌یی بروز می‌کند که انتظارش را نداشته‌ایم؛ با فعال شدن مرکز خلاقیت، کلید نیز برای باز کردن در صندوقچه می‌چرخد. آن‌چه از درون صندوقچه به بیرون تراوش می‌کند، جریان تخیل است. شفاف‌ترین تعریف، تخیل را نیروی انگیزشی ناشناخته و ناخودآگاه می‌داند که سلطه بر آن بسیار اندک است و

سپهسالاران جهاد و مقاومت

فرح دیبا انوری



پاکستان فرار شدند.

بار دیگر در سال ۱۹۷۴ مسعود با چند تن از همراهانش اقدام به کودتای که صرفاً در پنجشیر بود و پیروزی نسبی را در پی داشت، کرد. اما در نهایت به شکست مواجه شد.

زمانی که در سال ۱۹۷۹ قوای شوروی وارد خاک افغانستان شدند، جهاد علیه تجاوز قوای شوروی آغاز شد. مسعود در تابستان سال ۱۹۷۹ با حدود ۳۰ تن از مجاهدین هم‌رزمش وارد پنجشیر شده و جنگ علیه قوای سرخ شوروی را از همانجا آغاز کرد. هر چند او در طول ده سال مبارزه علیه نظام متجاوزگر شوروی، سختی‌های زیادی را متحمل شد اما حضور او در جنگ سبب شد که به یک حساب ۷ بار و به حساب دیگر ۱۱ بار ارتش سرخ شوروی، طعم تلخ شکست را بچشد. موفقیت مسعود در جنگ علیه متجاوزان این بود که وی اساس یک جنگ پارتیزانی را گذاشت که هدف آن دفاع از کشور بود و درست بودن تئوری خود را در سال ۱۹۹۲ که نیروهایش پیروزمندانه وارد کابل شد، به اثبات رساند.

با شکست قوای سرخ شوروی و تشکیل اولین دولت اسلامی، مسعود به عنوان وزیر دفاع تعیین شد و به مدت ۱۰ سال به همین سمت باقی ماند. در این وقت مسعود درگیر جنگ با گروه‌های مختلف که برای مقاصد مختلف می‌جنگیدند، بین سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۹۶ گردید. ابتدای این جنگ توسط حکمتیار آغاز گردید، چون وی مدعی بود که دولت اسلامی که به اثر و نتیجه پیروزی جهاد تاسیس شده بود، با کمونیست‌ها ائتلاف کرده است و اینگونه برضد آنان اعلان جنگ داد و اسم آن را جهاد گذاشت.

شکی نیست که در طول تاریخ افغانستان به‌خصوص در هر برهه از تاریخ معاصر، افغانستان شاهد اتفاقات، دشواری‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی و خارجی بوده است. همزمان با این اتفاقات، سرنوشت مردم دچار پستی‌ها و بلندی‌های زیادی شد. تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صد سال اخیر کشور را به مسیر دیگری قرار داد. با توجه به آنچه که ذکر گردید، یکی از مسایل داغ و پُر تشنج داخلی، همانا دوره جهاد و مقاومت مردم افغانستان می‌باشد. شهید احمدشاه مسعود از جمله رهبران جهادی در دوره جهاد و مقاومت بود که در طول سال‌های جهاد در برابر متجاوزان و دفاع از کابل و دولت مجاهدین، شدیدترین حملات نیروی مهاجم را دفع کرد و بار دشوار جنگ داخلی را به دوش کشید. او برای ایجاد صلح سراسری در کشور از هر امکانات و فرصتی استفاده کرد. برای خاتمه دادن جنگ و برقراری صلح از هر مصلح و میانجی استقبال کرد و سخت‌ترین و غیرمنصفانه‌ترین شرایط را پذیرفت.

احمدشاه مسعود رسماً از ۱۹ ساله‌گی به مبارزه در راه اسلام علیه نظام کمونیستی وقت، آغاز به فعالیت کرد. مسعود با کودتای داوود در سال ۱۹۷۳ که آن را کودتای کمونیستی می‌دانست، به صف مبارزان اسلامی پیوست و بر ضد حکومت داوود به فعالیت آغاز کرد چون داوود در حکومت خویش، کمونیست‌ها را مقامات بلند داد و مسلمانان مبارز را سرکوب کرد. طرح اولین کودتا که توسط نهضت جوانان مسلمان ساخته شده بود، افشا شد که در نتیجه تعدادی کشته و تعدادی از جمله مسعود به

معارف افغانستان؛ ...

را بیاموزند که در زنده‌گی آنان کاربرد گسترده‌یی داشته باشد.

به همین ترتیب، مواد آموزشی بر اساس نیازهای گروه‌های خاص سواد آموزان از جمله زنان، دکانداران، کشاورزان و غیره تهیه خواهد گشت. وزارت معارف بر وفق پلان به استخدام آموزگاران سواد آموزی دائمی اقدام خواهد کرد که به اهداف معارف عصری در کشور ممد واقع گردد.

برای ارتقای کیفیت تدریس در کورس‌های سواد آموزی - قبلاً ریاست تریبه معلم در چارچوب معینیت سواد آموزی فعالیت داشت که در آینده وزارت معارف در نظر دارد تا یک انستیتوت مستقل تریبه معلم سواد آموزی را تأسیس کند. گسترش یک دیتابیس (بانک معلوماتی) و ساختارهای مراقبتی و ارزیابی از جمله اهداف دیگری این برنامه‌ها است که به موثریت، هدف‌مندی و تحقق برنامه‌های سواد آموزی خواهد افزود.

نصاب واحد تعلیمی، معیاری است که اهداف اساسی تعلیم و تریبه عمومی و خصوصی را تثبیت کرده و بر اساس آن وزارت معارف - مفردات تعلیمی کتب درسی، طرز آموزش و ارزیابی، مواد و وسایل درسی و ممد درسی را تهیه و تنظیم می‌نماید. نصاب واحد تعلیمی در تمام موسسات تعلیمی و تربیتی دولتی و خصوصی طور یکسان تطبیق می‌شود.

وزارت معارف به منظور تهیه، تدوین، رشد نصاب تعلیمی، مواد درسی و تنظیم امور مربوط به آن، بوردهای علمی، دوره‌های تعلیمی و اداره انکشاف نصاب تعلیمی، مواد درسی و نشرات را ایجاد خواهد کرد. نصاب واحد تعلیمی - دوره‌های متوسطه، ثانوی، تخیلی - مسلکی، حرفی و هنری، تعلیمات رسمی اسلامی، تریبه معلم، سواد آموزی و سواد حیاتی، تعلیمات پیش از مکتب و تعلیم غیر حضوری و تعلیم از راه دور مطابق نیازمندی‌های جامعه و رعایت معیارهای پذیرفته شده علمی بین‌المللی تهیه و تدوین می‌دارد و با در نظر داشت تجارب به دست آمده به صورت متداوم، تجدید و انکشاف می‌دهد.

برای تحقق در امر جا افتادن معارف متوازن، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان باید به یک اداره مدرن، هدف‌مند، موثر، حساب‌ده و دارای بودجه کافی تبدیل شود و فرصت‌های آموزشی را در سراسر کشور و بدون هیچ‌گونه تبعیض برای اطفال، نوجوانان و جوانان کشور فراهم سازد.

تدریس در موسسات تعلیمی، موسسات تعلیمی خصوصی داخلی و پروگرام‌های تعلیمی و تربیتی، مراکز سوادآموزی و سواد حیاتی به یکی از زبان‌های رسمی دولت هر یک فارسی و پشتو عملی گردد. تعیین زبان تدریس از جمله دو زبان رسمی دولت بر اساس زبان‌های رایج - اکثریت اهالی محل تحقق یابد. فرا گرفتن زبان‌های رسمی، فارسی و پشتو در مکاتب و موسسات تعلیمی حتمی می‌باشد.

در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان‌های سوم رسمی کشور هر یک: اوزبیک، ترکمنی، پشه‌یی، نورستانی، بلوچی، پامیری و سایر زبان‌ها تکلم می‌نمایند علاوه بر تدریس زبان فارسی و پشتو زمینه تدریس زبان سوم منحیث مضمون درسی فراهم می‌گردد.

وزارت معارف در عرصه تریبه معلم، کتب و مواد درسی به منظور تدریس زبان‌های سوم رسمی کشور برنامه‌های موثری را طرح و تطبیق خواهد نمود. تدریس موسسات تعلیمی بین‌المللی به زبانی صورت می‌گیرد که موسسه تعلیمی به موافقت وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان تعیین نموده و تدریس یکی از زبان‌های رسمی، احکام و اساسات دین مقدس اسلام در این نوع موسسات تعلیمی برای شاگردان کشور مطابق طرزعمل جداگانه که از طرف وزارت معارف ترتیب، تنظیم شده، تحقق می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

معارف افغانستان؛ ابهام یا احتیاط در روشنایی وضع موجود می‌تواند به عنوان راهکار مناسب و مفید برای دست‌اندرکاران و مسوولان معارف کشور جهت توسعه نهادهای تعلیمی و تربیتی کشور مورد استفاده گسترده قرار گیرد.

پالیسی و استراتژی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان مبتنی بر اهداف و تعهدات ملی و بین‌المللی و بر اساس نیازهای موجود نظام تعلیمی و تربیتی طراحی گردیده که با آرزوها و امیدهای مردم و منسوبان معارف کشور سازگار بوده که نتایج به دست آمده از آن در مطابقت با استراتژی معارف در این مقطع تنظیم می‌گردد. مرتبط به موضوع، دیدگاه وزارت معارف در بردارنده رشد قوای بشری، اساسات دین مقدس اسلام، تعهدات ملی و بین‌المللی و احترام به حقوق بشر است که دسترسی عادلانه به تعلیم و تریبه با کیفیت برای همه شهروندان وطن را ممکن خواهد ساخت که در توسعه پایدار، رشد اقتصادی، ثبات و امنیت کشور نقش فعالانه‌یی را بازی نماید.

برای تحقق این امر، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان باید به یک اداره مدرن، هدف‌مند، موثر، حساب‌ده و دارای بودجه کافی تبدیل شود و فرصت‌های تعلیمی را در سراسر کشور و بدون هیچ‌گونه تبعیض برای اطفال، نوجوانان و جوانان کشور فراهم سازد.

تا سال ۱۹۹۴ که مسعود مصروف جنگ با چند جبهه بود، طالبان ظهور کردند. در به وجود آوردن طالبان، پاکستان نقش مهم داشت چون پاکستان نتوانست حکمتیار را به قدرت برساند. این نیروی جدیدی که تحت نام طالبان از قندهار سر باز زده بودند ابتدا با نیروهای دولتی از در مدارا در آمدند و مخالفین دولت را از سر راه برداشتند.

طالبان ولایات مختلف را یکی پی دیگری گرفتند تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۹۶ جنگ سختی در گرفت و طالبان موفق به فتح کابل شدند. مسعود در این وقت به پایگاه اصلی خود پناه برد و به تجدید قوا پرداخت. بعد از این روزهای دشوار و سخت مسعود شروع شد، حتا تا جایی که همه او را تنها گذاشتند.

مسعود با عقب‌نشینی طرح جدیدی را برای دفاع از کشور ساخت که چنین بود: «مقاومت در داخل و فشار از بیرون» به همین لحاظ این دوره را که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ در بر می‌گرفت به نام دوره مقاومت شناخته شد.

برای ایجاد این طرح دفاعی، وی ابتدا از نیروهای داخلی اتحادی تشکیل داد که قبلاً با آنها درگیر جنگ بود و اسم این اتحاد را «جبهه متحد ملی و اسلامی برای نجات افغانستان» گذاشت.

مسعود مطابق به تیوری، جبهه مقاومت در داخل را تشکیل داد و ظاهراً در آن موفق هم شد؛ تا اینکه طالبان دانستند که تاب و توان شکستن مقاومت را ندارند. سپس پاکستان نیروهای احتیاطی که از داوطلبان خارجی و اتباع خودشان تشکیل شده بود، وارد میدان کرد. از جمله کشورهای چون روسیه، تاجیکستان، اوزبیکستان، چین، عربستان سعودی، امریکا، انگلستان و تعداد دیگر... نیروهای جهت کمک برای طالبان فرستاده شد و جالب از همه اینکه اسم این جنگ را جهاد گذاشتند که با تیغ مجاهدین بین‌المللی فقط مسلمانان کشته شدند.

برای تطبیق بخش دوم تئوری مقاومت که مسعود آن را «فشار از بیرون» نام‌گذاری کرده بود، دشواری‌ها به مراتب بیشتر بود. علمای پاکستان روزانه با تبلیغات‌شان هزاران نفر را در جنگ افغانستان می‌دیدند. در این بخش از برنامه مقاومت مسعود تحت فشار بیشتری و از عدم حمایت برخوردار بود. اما او هیچ‌گاهی سر تسلیم فرود نیاورد و گفت اگر یک نفر هم زنده بماند، مقاومت خواهد کرد.

سرانجام او در سن ۴۹ ساله‌گی به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱، توسط دو تن عرب که به ظاهر خبرنگار بودند، به شهادت رسید و اینگونه سفر پر از فراز و نشیب وی در دوره جهاد و مقاومت خاتمه یافت.

در نتیجه گفته می‌توانیم که احمد شاه مسعود، فرمانده شجاع و مقاوم دوره جهاد و مقاومت بیشتر از سی سال عمر خود را صرف خدمت به راه وطن و آزادی کرد. وی با وجود مشکلات و دشواری‌های که در طول مبارزه علیه متجاوزان متحمل شد، برای یک افغانستان قوی، مرفه و آزاد که دارای نظام اسلامی معتدل و منتخب باشد، نهایت تلاش به خرج داد و در کنار سایر هم‌قطارانش وظیفه دینی، ایمانی و وجدانی خویش را به بهترین نحوه انجام داد. او برای اهداف و آرمان‌های که به سر داشت برای اسلام، افغانستان، مردم و آزادی جنگید تا اینگونه نشان داده باشد که مبارزان واقعی هیچ‌گاهی سر تسلیم فرود نمی‌آورند، حتا به قیمت جان شان!

بهترین‌ها همیشه پیروز نمی‌شوند، بلکه کسانی که مبارزه می‌کنند و کسانی که بیش از همه مطمئن هستند که چه کار می‌کنند، پیروز می‌شوند!

مقدمه

نگرشی بر معارف افغانستان در نزدیک به دو دهه اخیر همانا مطالعه فراز و فرود معارف کشور بوده که در روشنائی آن به زوایای تاریک مرتبط به این بحث پرداخته خواهد شد و هدف از آن، یقیناً آرایه راهکارها برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیه در امر توسعه معارف است.

روحیه تعلیم و تربیه در همه دوره‌ها و همه جوامع انسانی وجود داشته است؛ به گونه‌ی که می‌توان گفت بدون آموزش و پرورش، زنده‌گی برای انسان‌ها ممکن و میسر نمی‌باشد.

تحقیق موجود برخلاف بسیاری از پژوهش‌ها به محور و نقش اقدار جامعه در تغییر و توسعه معارف تمرکز دارد. در تهیه این نوشته تلاش شده است تا حد ممکن بسیاری از هنجارهای قراردادی و معمولی تاریخ‌نویسی، زده و با ساختارهای جدید هماهنگ گردد که نشانه‌ی از تفاوت تحقیق و نوع دید و نگرشی بر معارف افغانستان را بازگو می‌کند.

بدون شک تحلیل این بحث در کشور مستلزم مطالعه پیشینه آن بوده و ما را به چنین نتایج می‌رساند که نقطه روشنی در آن به مشاهده نمی‌رسد. چون گراف سیر معارف نامتوازن افغانستان، از هر جهت نزولی تصور می‌شود و در هر دوره‌ی، دستیابی را به اهداف معارف ممکن نساخته با توجه به حساسیت زمانی در مراحل مختلف، رقم بیسودان به عوض آنکه کاهش یابد، برعکس افزایش یافته است. این به آن معنا نیست که نسبت به آینده و چشم‌انداز آن بدبین باشیم.

موضوعات مطروحه مقاله معارف افغانستان؛ ابهام یا احتیاط به جهت مثبت و منفی آن اشاره دارد و به پرسش‌های زیر نیز پاسخ می‌دهد:

- ۱- اعمال نفوذ سیاسی محافل حاکم در کانون‌های تعلیمی و تربیتی؟
 - ۲- بهره‌گیری از تجارب متخصصان در تهیه نصاب درسی و مقایسه آن؟
 - ۳- پیشرفت نسبی نهادهای تعلیمی، تحصیلات عالی و فنی در راستای آموزش و پرورش؟
 - ۴- درج مضامین در نصاب با توجه به نیازهای مبرم ملی، منطقه‌ی و جهانی؟
- جنگ در ۴۰ سال اخیر تمامی عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را متضرر ساخته است. معارف نیز تا حد زیادی، متلاشی و بر شیرازه آن آسیب فراوان وارد آمده که اداره موقت نیز از نبود نیروی بشری قادر به عرضه خدمات تعلیمی و تربیتی نبوده و نقص جدی در آن با توجه به احصایه‌های ذیل مشاهده می‌گردد.

کمتر از یک میلیون پسر در ۳۴۰۰۰ باب مکتب تعلیمات عمومی توسط ۲۰۷۰۰ معلم، مصروف فراگیری آموزش بودند و سیستم معارف، پاسخ‌گوی نیازمندی‌های مردم نبود. نصاب تعلیمی واحد، ملی، معیاری و کتب درسی موجود نبود. بیش از چند باب دارالمعلمین در مرکز و ولایات کشور با داشتن کمیت ناچیز محصلان جنس ذکور و اناث را زیر پوشش درسی داشت که قریب به اتفاق آن را قشر ذکور تشکیل می‌داد. ۳۸ باب مکتب تعلیمات مسلكی و حرفوی قسماً فعال بود که ۱۵۰۰ تن متعلم و ۵۰ تن استاد از طبقه ذکور در آن مصروف تدریس و فراگیری بودند. سالانه فقط ۲۲۰۰۰ تن شاگرد از قشر ذکور در کورس‌های سواد آموزی، اساسات سواد حیاتی می‌آموختند. فقط ۱۵ موسسه تحصیلات عالی ظرفیت جذب ۷۹۰۰۰ تن محصل را دارا بود.

با شکل‌گیری اداره انتقالی و انتخابی، این آمار و ارقام افزایش هفت برابر یافت که در مجموع شاگردان اناث ۳۷٪ در نهادهای تعلیمی جذب شدند. از جمع ۱۷۰۰۰۰ تن معلم ۳۰٪ آن را خانم‌ها احتوا می‌کرد.

تعداد مدارس رسمی تعلیمات اسلامی به ۵۵۰ باب افزایش یافته و ۱۳۶۰۰۰ تن طالب در آن مصروف کسب علوم اسلامی شدند که ۹٪ شان را قشر اناث تشکیل می‌داد. اداره تعلیمات اسلامی از ریاست به سطح معینیت تعلیمات اسلامی ارتقا یافت. شاخه‌ی از جامعه اهر کشور مصر (انستیتوت علوم اسلامی الازهر) برای بار نخست در تاریخ معاصر افغانستان در کابل افتتاح و تدریجاً به شهرهای بزرگ کشور توسعه یافت.

نصاب درسی ملی برای تمامی مکاتب عمومی و اسلامی تهیه شد. کتب جدید برای تعلیمات اساسی صنوف اول تا نهم - تألیف، چاپ و توزیع گردید. توقع می‌رود که تهیه و تألیف کتب درسی برای دوره ثانوی تعلیمات عمومی، تعلیمات اسلامی و کتب سال‌های آینده تکمیل گردد. از آنجایی که تعداد مراکز تربیه معلم در اوایل معدود بود و بعداً به ۴۲ باب افزایش یافت. حداقل یک مرکز در هر ولایت با تسهیلات خوابگاه ذکور و اناث که در آن ۴۲۰۰۰ تن مصروف تحصیل بودند که ۲۸٪ آن را زنان دربر می‌گرفت.

برعلاوه در سطح ولسوالی‌ها ۷۳ باب مرکز تربیه معلم در جوار مکاتب ایجاد گردیده که از این طریق معارف افغانستان موفق به ارتقای درجه تحصیلی معلمان مسلكی با استفاده از برنامه‌های داخل خدمت گردید. شمولیت در تعلیمات تخنیک و مسلكی - ۱۳ برابر افزایش یافته که به تعداد ۲۰۰۰۰ تن شاگرد و در ۶۰ باب مکتب تعلیمات تخنیک و مسلكی زیر پوشش گرفت. بیشتر از ۹۵۰۰۰ تن شاگرد سند فراغت از صنف ۱۲ را به دست آوردند. در یک دوره ۹ ماهه بیشتر از ۲۵۰۰۰۰ سواد را آموختند که ۶۲٪ آن را قشر اناث تشکیل می‌داد. جهت تقویت اشتراک مردمی به منظور بهبود کیفیت معارف ۸۵۰۰ شورای مکاتب تأسیس گردیده و ۴۵۰۰ مکتب به کمک و سهم‌گیری فعال مردم محل اعمار گردید.

طی سال‌های اخیر نهادهای بین‌المللی چون: یوناما و صندوق وجهی اطفال بهنام یونسف - تحقیقاتی را جهت دریافت آمار و ارقام مبنی بر جنگ‌ها، امنیت و عدم

دسترسی کودکان و شهروندان افغانستان به امور تعلیمی و صحی راه‌اندازی و تأکید داشتند که نبود امنیت و درگیری‌ها زمینه مرگ و میر آموزگاران و عدم دسترسی مردم را به بخش‌های بهداشتی و آموزشی موجب گردیده است که عامل نگرانی موسسات بین‌المللی و جهانی می‌باشند:

الف) عدم امنیت و نبود تسهیلات

براساس نهادهای آموزشی ملل متحد؛ هر نوزاد جهان از آغاز تولد یعنی شیر خواره‌گی تا ۱۸ سالگی کودک و سپاه رشد یابنده مردم جهان می‌باشند که به نیازهای آموزشی، پرورشی، بهداشتی، سلامت جسمانی و روانی کودکان کشور توجه لازم نشده است. خلاصه وضع کنونی کودکان افغانستان، میراث پُر از درد، غم و اندوه و ریشه دارد در تاریخ که امید است روزی این سپاه باندۀ وطن، استخوان‌های مقصرین را از گورستان‌ها بیرون آوردند و محاکمه دادخواهانه کنند.

موجودیت تهدیدهای بلند امنیتی، عدم تسهیلات آموزشی و کمبود معلمان مسلكی از قشر زنان از جمع بیشتر از ۱۲ میلیون کودک وطن که واجد شرایط رفتن به مکاتب هستند ۴۲٪ که رقم ۵ میلیون را می‌سازد، محروم از دسترسی به تعلیم و تربیه می‌باشند. ۶۰۰۰ مکتب بدون تعمیر و سایر تسهیلات ضروری است و صدها باب مکتب دورتر از منازل رهایی قرار دارند که رفت‌وآمد اطفال به آن به‌ویژه دختران را دشوار کرده است. از جمله ۴۱۲ ولسوالی و نواحی شهری در بیشتر از ۲۰۰ ولسوالی و ناحیه حتی یک معلم دختر در صنف دهم و بالاتر از آن موجود نبوده و در ۲۴۵ ولسوالی و ناحیه یک معلم مسلكی زن موجود نمی‌باشد. باید گفته شود که ۱۱ میلیون هموطنان ما هنوز هم از نعمت سواد محروم می‌باشند. از جمله مکاتب که در سال‌های پیش از اثر مشکلات امنیتی مسدود گردیده بود. تعدادی از آن مجدداً بازگشایی گردیده که در آن بیشتر از ۲۰۰۰۰۰ تن شاگرد مصروف فراگیری در پروسه‌هایی درسی گردیدند با آنهم مناطق نوار مرزی در جنوب کشور همواره از این رهگذر به پیکر اش آسیب‌هایی چشم‌گیر وارد آمده است که جبران ناپذیر و پذیرفتنی نیست و حتی گردن بریدن و شهادت شاگردان و آموزگاران مکاتب را مردم شریف کشور شاهد اند که در این اواخر سخنگویان وزارت‌های معارف و امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان، آتش کشیده شدن مکاتب را نیز طرف تائید قرار داده اند و سکوت امنیتی را به تأمین امنیت فزینی آن نهادهای آموزشی و پرورشی فرا می‌خوانند و تأکید بر عملکرد یک دست شوراهای دفاع از مکاتب را مطرح کرده و از این طریق موفق خواهند شد از

می‌زند. کمبود ساختمان، محل نامناسب کاری و تجهیزات مورد نیاز به‌خصوص تکنالوژی معلوماتی - پیچیده‌گی دیگری را بر مشکلات افزوده است.

رشد سرمایه بشری مطابق به اصول و اساسات دین مقدس اسلام، احترام به ارزش‌های ملی و حقوق بشر از طریق فراهم‌آوری زمینه دسترسی مساویانه همه شهروندان کشور به تعلیم و تربیه با کیفیت غرض ارج‌گذاری و مشارکت‌شان در رشد متوازن، رشد اقتصادی، صلح و امنیت در کشور، دیدگاه و نگرش مسوولان وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان را بر برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت قادر خواهد ساخت تا از مجاری قانونی با طرح و پیریزی پلان کامل استراتژیک به اهداف تعلیم و تربیه عصری و مدیریت عالی در این مقطع نایل آید.

در روشنائی تجارب قبلی به گونه‌ی زیر، طرح و رسیدن به اهداف استراتژیک از جمع اولویت‌ها شمرده می‌شود که به شرح آن می‌پردازیم:

تداوم پروسه اصلاحات و توسعه در ادارات مربوط به معارف، تقویت مسایل مربوط به اداره نظارت و ارزیابی در چوکات سیستم جدید رُتب و معاشات که مشوق عمده برای ارتقای کیفیت و زمینه‌ساز بهبود معیشت بوده، راه‌اندازی و تطبیق این سیستم، تغییرات لازم و افزایش مناسب در معاشات تمامی منسوبان معارف را تسهیل می‌دارد. افزایش آمار کمی و کیفی محصلان در موسسات نیمه عالی منجمله نهادهای اسلامی و مسلكی در کانون‌هایی دولتی و خصوصی را تضمین می‌کند.

در این مقطع به ساختارهای تعلیمات تخنیک، مسلكی و زیربنای، نیاز مبرم محسوس می‌باشد که به جزئیات آن قانون معارف جمهوری اسلامی افغانستان در ذیل می‌پردازد: دسترسی به تعلیمات تخنیک و مسلكی از طریق توسعه انستیتوت‌های تخنیک، افزایش جذب و تعلیم و تربیه شاگردان در تعلیمات تخنیک و مسلكی، افزایش شمولیت دختران در تعلیمات تخنیک و مسلكی، رشد قابلیت‌های اساسی معلمان ذکور و اناث جهت بهبود کیفیت تدریس، آموزش و ارتقای نتایج پیشرفت تعلیمی شاگردان، فراهم نمودن نصاب و مواد آموزشی عصری و با کیفیت جهت بهبود تدریس، آموزش و ارتقای نتایج پیشرفت تعلیمی شاگردان مطابق با ضروریات بازار یا مارکیٹ کار، تجهیز مکاتب، مراکز تخنیک و مسلكی موجود بر اساس معیارهای عصری تعلیمات تخنیک و مسلكی بر بنیاد نورهای منطقه‌ی و جهانی. کوشش و تلاش ادارات سواد آموزی در برآورده شدن اهداف استراتژیک معارف دولت جمهوری اسلامی افغانستان متمرکز است:

معارف افغانستان؛ ابهام یا احتیاط

پوهاند دوکتور حبیب پنجشیری



به افزایش میزان سواد ۴۳٪ قشر اناث و ۵۴٪ قشر ذکور، آموزش حداقل سه میلیون و شش صد هزار بیسواد در این مرحله و بهبود آرایه آموزش‌هایی فنی و حرفه‌ی، به مقصود آرایه خدمات به سواد آموزانی بومی که در مرزهایی سرحدی مسکون هستند. وزارت معارف، توجه خاصی را به آن مناطق مبذول خواهد کرد. تلاش دیگری مسوولان معارف کشور تشویق و سهم‌گیری بخش خصوصی، مردم محلی و نهادهای دیگر از جمله مساجد و متنفذین محلی معطوف می‌باشد که سواد آموزان بیشتری را جذب نمایند. چنانچه میزان سواد در میان زنان بسیار پایین است (۱۳٪ زنان و ۳۲٪ مردان) لذا به منظور افزایش مشارکت آنان، برنامه‌های سواد آموزی و برنامه‌های آگاهی عامه رشد و توسعه داده شود و تعداد معلمان اناث در برنامه‌های سواد آموزی افزایش یابد. همچنان رهبری معارف در نظر دارد که با فراهم‌سازی مشقوات دیگری مانند غذا، خدمات صحی و اعطای تخم بذری زراعتی و غیره، مشارکت زنان را در برنامه‌های سواد آموزی تشویق و ترغیب کند. نصاب برنامه‌های سواد آموزی را گسترش داده و کتاب‌های درسی و رهنمای معلم سواد آموزی چاپ و توزیع گردد.

وزارت معارف همواره یک نصاب واحد را برای برنامه‌های سواد آموزی تطبیق خواهد نمود و از طریق رشد مواد درسی جدید تلاش خواهد کرد تا برنامه‌های سواد آموزی با زنده‌گی روزمره سواد آموزان تناسب بیشتری داشته باشد و آنها بتوانند علاوه بر آموختن سواد و حساب، مهارت‌هایی...

شهادت محافظان و آتش‌سوزی مکاتب در مرکز و ولایات کشور ممانعت به عمل آوردند.

ب) دسترسی به تعلیم و تربیه با کیفیت

فقط ۲۷٪ از ۱۷۰۰۰۰۰ تن معلمان در معارف کشور کمترین شرایط یک معلم مسلكی یعنی فراغت از صنف چهاردهم را دارا می‌باشند. در تعداد زیادی از مکاتب محدودیت صنف درسی منجر به افزایش ساعات درسی و ازدحام در صنف شده که کیفیت تدریس را متضرر ساخته است. هنوز هم کمبود کتب و مواد درسی موجود است و بیشتر از ۲٪ فارغان صنوف نهم زمینه حق شمولیت را در مکاتب تعلیمات تخنیک و مسلكی کسب نکرده اند. بنابر عدم موجودیت شرایط لازم - شکاف موجود میان فراغت و کاریابی، نهایت بی‌حد و حصر است. بر حسب ارقام رسمی فقط یک کمیت ناچیزی از فارغان صنف ۱۲ به دانشگاه‌ها و موسسات تحصیلات عالی راه یافته اند و متبانی به مشکل می‌توانند شامل پروسه‌هایی کاری، جذب گردند.

ج) نبود مدیریت سالم

با وجود کوشش‌هایی که به‌خاطر تقویت ظرفیت‌های کادری و کاری صورت گرفته - توان‌مندی اجرایی در حوزه تعلیم و تربیه در سطح مرکز و ولایات هنوز هم ناکافی است. نبود مشقوات مادی و معنوی، نبود پرسونل متخصص و معاش ناچیز - عواملی هستند که جلو نیروهای بشری را در خدمت‌گزاری به معارف افغانستان، محک

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۸۵۲۹۹۶۶۰

مسئول توزیع: نادری - ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰

نشانی: سرک ۱۳ وزیر اکبر خان، کوچه چهارم دست چپ

به جز «سخن ماندگار» مسؤلیت دیگر نبسته‌ها به

نویسنده گان برمی گردد.

چاپ: مطبعه امام

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

ویراستار: روح الله یوسف زاده

مدیر خبر: هارون مجیدی

گزارشگران: ناجیه نوری، روح الله بهزاد

و ابوبکر صدیق

برگ آرای: مجیب الله احمدی

در انتخابات ۶میزان یک مورد خشونت

و نه مورد شکایت از عدم دسترسی به اطلاعات ثبت شده است



ششم میزان انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان برگزار گردید. رسانه‌ها در مرکز و برخی از ولایت‌ها پوشش ویژه‌ای از روند رأی‌دهی داشتند. در این میان اما یک مورد خشونت و نه مورد شکایت از عدم دسترسی به اطلاعات در دیدبان رسانه‌های نی ثبت گردید. خبرنگار محلی سلام و وطندار در ولایت پروان ادعا کرد از سوی برادر رییس شورای ولایتی آن‌جا توهین و تهدید شده است. بر اساس خبرنامه دیدبان حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان که به روزنامه ماندگار فرستاده است: مقبول نوری، خبرنگار محلی سلام و وطندار در ولایت پروان به دیدبان رسانه‌های نی می‌گوید: صبح شنبه ششم میزان، در یکی از مراکز رأی‌دهی در لیسه جبل السراج در مرکز آن ولسوالی، برادر رییس شورای ولایتی پروان با محافظانش وارد سایت شده بودند زمانی که این خبرنگار می‌خواست از آنان عکس بگیرد به ادعای آقای نوری، به طرف او هجوم برده گوش‌اش را گرفتند و خودش را تهدید و توهین کردند. او می‌افزاید: «وقتی من خواستم از آنان عکس بگیرم، به سوی من هجوم برده و با تهدید و توهین تلفنم را گرفتند و بالایم دست بلند کردند.» بنابراین ادعا، تلفن آقای نوری با مداخله نیروهای امنیتی

غزنی کی لسگونو کسانو د ولسی خلکو پر وژل کېدو اعتراض وکړ



د افغانستان د جنوبی ولایت غزنی لسگونو اوسېدونکو په خواجه عمري ولسوالۍ کې په یوه هوایي برید کې د ولسی خلکو پر وژل کېدو اعتراضی لاریون وکړ. لاریون کوونکي د دولت او بهرنیو ځواکونو پر ضد شعار ورکاوه او ددغې ولسوالۍ په ده حاجي کلي کې د وژل شویو شپږو کسانو مړي له ځان سره د غزني مرکز ته راوړي وو. اعتراض کوونکو ویل چې دغه کسان ملکيان دي او تېر ماښام د بهرنیو ځواکونو د بې پیلوته الوتکې په برید کې وژل شوي او پنځه نور تپیان شوي دي.

غزني ښار ته له ننوتو وړاندې د لاریون کوونکو او پولیسو ترمنځ شخړه هم شوې چې د پولیسو په دزو کې څلور کسان تپیان شوي دي.

اعتراض کوونکو ونه ویل چې په برید کې طالبانو ته هم مرگ ژوبله اوښتی که نه، خو د غزني والي وحیدالله کلیمزی وايي، په دغه برید کې پنځه مخالفان هم وژل شوي دي.

ښاغلي کلیمزی ازادي راډیو ته وویل چې پېښه به څېړل کېږي او وروسته به یې په اړه پرېکړه وشي.

د دولتي او بهرنیو ځواکونو په عملیاتو کې ولسي مرگ ژوبلي په وروستيو مياشتو کې ډېر اعتراضونه راپارولي.

د ښکېلو غاړو ترمنځ د جگړې توندېدو سره د ولسي مرگ ژوبلي کچه هم لوړه شوې ده. که څه هم حکومت په وار وار ملکيانو ته د تلفاتو اوښتو د مخنيوي ژمنه کړې، خو ښکاري چې لا هم دغه ستونزه موجوده ده. د دولت نیوکه دا ده چې طالبان له عامو خلکو او د هغوی له کورونو د سپر او د ځان د خونديتوب لپاره کار اخلي او همدا لامل کېږي چې ولسي مرگ ژوبله رامنځته شي.

مورد در آغاز روز باعث عدم دسترسی خبرنگاران به اطلاعات در نه ولایت گردید. اما این معضل با پا درمیانی مسوولان امنیتی در مرکز حل گردید. نی حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان از توجه ویژه نهادهای امنیتی در امر تأمین امنیت روند انتخابات و به‌ویژه امنیت خبرنگاران و رسانه‌ها سپاس گزار است. همزمان باین، کمیته «مصونیت خبرنگاران افغان» اعلام کرد که باوجود تهدیدهای جدی گروه طالبان و سایر گروه‌های تروریستی در انتخابات ریاست جمهوری خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در کمال آرامش از روند انتخابات گزارش‌دهی کردند.

در روز انتخابات هیچ واقعه خشونت‌بار در برابر خبرنگاران در کمیته مصونیت خبرنگاران ثبت نشده است.

بر اساس معلومات این کمیته، اگرچه در برخی از ولایات و مراکز رأی‌دهی در اوایل صبح مشکلات دسترسی به معلومات برای خبرنگاران وجود داشت که بر اثر تلاش‌های این کمیته و فدراسیون ژورنالیستان و نهادهای رسانه‌یی کشور رفع گردید.

کمیته مصونیت اعلام کرد که خبرنگاران در هماهنگی با نیروهای امنیتی توانستند در طول روز از اشتراک مردم در مراکز و محلات رأی‌دهی گزارش‌دهی نمایند و این نشانه خوبی برای آینده دموکراسی و مردم‌سالاری در کشور محسوب می‌گردد. در اعلامیه کمیته مصونیت خبرنگاران گفته شده که خبرنگاران در برخی از ولایات با مشکل نبود برق و قطع شبکه‌های مخابراتی مواجه بودند، زیرا طالبان به شرکت‌های مخابراتی هشدار داده بود تا آنتن‌های خود را خاموش سازند، اما با آنهم خبرنگاران از تمام ممکن برای نشر گزارش‌های شان استفاده کردند.

فیفا به کمیسیون‌های انتخاباتی:

در تفکیک آرای پاک و ناپاک مکانیسم روشنی داشته باشید



ولایت نورستان، ۵۰ محل رأی‌دهی، شامل ۱۰ مرکز رأی‌دهی، بسته و از اخذ رأی باز مانده اند. در مجموع، از ۵۲ مرکز در ولایت نورستان، ۳۱ مرکز باز و ۲۱ مرکز آن بسته بوده است. طبق اعلامیه عدم هماهنگی و ارتباط موثر کمیسیون با مراکز رأی‌دهی از جدی‌ترین موارد که باعث اختلال و سنگینی جدی در جریان رأی‌دهی، در بعضی از ولایات، حتی کابل، گردید. به عنوان مثال، تصامیم کمیسیون در مورد حل مشکلات تکنیکی و اصولی فرایند رأی‌دهی، بخصوص در قسمت رأی دهنده‌گان که اسامی شان، در

فیفا یا موسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان در اعلامیه‌یی از کمیسیون‌های انتخاباتی خواسته است که در بررسی تخلفات و تفکیک آرای پاک و ناپاک، مکانیسم شفاف و روشن را در نظر گیرند. بر بنیاد گزارش فیفا، میزان مشارکت به خصوص زنان در انتخابات ۶ میزان، در تمامی ولایات کشور، پایین گزارش شده است. هرچند در مناطق مرکزی، از اوایل الی اواسط روز، مشارکت نسبتاً بالا بوده، ولی در نیمه دوم روز، میزان مشارکت در این مناطق نیز پایین گزارش شده است. در اعلامیه آمده است: رقم مراکز باز در سراسر کشور از سوی کمیسیون انتخابات، در آخرین بروز رسانی، ۴،۵۰۰ مرکز اعلام شد، حال آنکه یافته‌های کلی فیفا نشان می‌دهد که حدود ۳۸۹۱ مرکز در سراسر کشور باز بوده و به کمیسیون گزارش داده اند. قابل ذکر است که تماس کمیسیون و نهادهای ناظر با تعدادی از ولایات و ولسوالی‌ها به دلیل قطع شبکه‌های مخابراتی، در طول روز ممکن نبود، لذا رقم درست مراکز باز، در حال حاضر قابل تأیید نمی‌باشد. البته باید ذکر نمود، که در تعدادی از ولسوالی‌ها، نرسیدن مواد انتخاباتی، باعث بسته ماندن مراکز رأی‌دهی گردیده است. به عنوان مثال، در ولسوالی‌های موندول و دو آب

صندوق‌ها و مواد به ولایت تالقان منتقل شده است. فیفا همچنان نوشته است که قطع ارتباط مخابراتی، تماس کمیسیون انتخابات با دفاتر ساحوی آن در ولایات سرپل، تخار، نورستان، بغلان، کندز، نیمروز، بادغیس، غور، فراه، جوزجان، ولسوالی‌های هرات، ولسوالی‌های لوگر و ولایات دیگر را مختل و در مواردی ناممکن ساخت.

ارزیابی‌های کلی و ابتدایی نشان می‌دهد که روند رأی‌دهی در سراسر کشور، با سنگینی‌ها، و نواقص مواجه بود. لذا، فیفا جهت تأمین شفافیت در محاسبه و اعلام نتایج ابتدایی و نهایی، از کمیسیون‌های انتخاباتی، صمیمانه تقاضا می‌کند که در بررسی تخلفات و تفکیک آرای پاک و ناپاک، مکانیسم شفاف و روشن را در نظر گیرد. فیفا از کمیسیون‌ها می‌خواهد که به آمار و ارقام بعضی از نهادهای ناظر در جمع‌بندی روز انتخابات اتکا نکرده و خود به طور شفاف و آماري، گزارشات خود را به طور مستقل، ارایه نماید. همچنان فیفا خاطر نشان می‌سازد، که هرگونه آمار و نتیجه‌گیری در مورد نتیجه انتخابات از جانب فیفا، نادرست بوده و فیفا خواستار پیگرد اشخاص و یا نهادهای، متقلب از سوی نهادهای امنیتی در زمینه می‌باشد.

تذکره هویت. در این اعلامیه آمده است: عمل نکردن دستگاه‌های بایومتریک، هرچند به طور محدود، ولی در ولایات مختلف باعث ایجاد اختلال و یا هم توقف جریان رأی‌دهی گردید. به عنوان مثال در ولایت هلمند، بعضی از مراکز و محلات رأی، به دلیل عمل نکردن دستگاه‌های بایومتریک، رأی‌گیری در آن مختل گردید.

طبق اعلامیه فیفا، چالش امنیتی هرچند پراکنده، ولی به صورت سراسری، روند انتخابات را در بخش‌های مختلف کشور متأثر ساخت. حوادث امنیتی از ولایات‌های مختلف کشور، از ابتدای روز، حتی پیش از آغاز پروسه رأی‌دهی، از ولایات ننگرهار، غرني، کابل، قندهار، هرات، لغمان، و بامیان گزارش داده شد. به عنوان مثال، در ولایت بامیان، در ولسوالی کهمرد و شیبیر، ۵ مرکز به دلیل نا امنی بسته و کارمندان کمیسیون توسط نیروهای امنیتی در مکان‌های امن منتقل شدند. در ولایت جوزجان نیز، در ولسوالی‌های آقچه، قرقین و درزاب، نیز تعدادی از مراکز به دلیل حملات مخالفان از اخذ رأی بازماندند. در نمونه‌یی دیگر، در ولسوالی بهارک ولایت بدخشان، به دلیل سقوط ولسوالی به دست مخالفین، رأی‌دهی، حوالی ساعت چهار متوقف و